



آیا اثر بازتوزیعی پرداخت‌های اجتماعی و مالیات‌ها در طول زمان بین کشورهای مختلف تغییر کرده است؟

۵۲

گروه مطالعاتی رفاه و تأمین اجتماعی
موسسه راهبردهای بازنشستگی صبا
«نهاد پژوهشی صندوق بازنشستگی کشوری»

۱۳۹۸

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

آیا اثر باز توزیعی پرداخت‌های اجتماعی و مالیات‌ها در طول زمان بین کشورهای مختلف تغییر کرده است؟

نویسندگان:

کوئن کامینادا (Koen Caminada)، کیس گودوارد (Kees Goudswaard)،
چن وانگ (Chen Wang) و جینکسیان وانگ (Jinxian Wang)

ترجمه:

بهنام ذوقی رودسری و رضا میرزا ابراهیمی

گروه مطالعاتی رفاه و تأمین اجتماعی

موسسه راهبردهای باز نشستگی صبا

«نهاد پژوهشی صندوق باز نشستگی کشوری»



مؤسسه راهبردهای
بازنشستگی صبا

آیا اثر باز توزیعی پرداخت‌های اجتماعی و مالیات‌ها در طول زمان بین کشورهای مختلف تغییر کرده است؟

ترجمه: بهنام ذوقی رودسری و رضا میرزا ابراهیمی
نویسندگان: کوئین کامینادا، کیس گودوارد، چن وانگ و جینکسیان وانگ

نوبت چاپ: اول ۱۳۹۸

شماره مسلسل: ۵۲

کد گزارش: ۹۸۲۰۳۰۰۲۸

تاریخ انتشار: ۱۳۹۸/۰۵/۱۲

کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای مؤسسه راهبردهای بازنشستگی صبا محفوظ است.



تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به میدان قدس، کوچه محوی،

پلاک ۴، واحد ۱۰۱

کد پستی: ۱۳۷۸۱ ۱۹۳۴۶

دورنگار: ۰۲۱-۲۲۷۰۲۹۰۳

تلفن: ۰۲۱-۲۲۷۰۳۴۶۵

پست الکترونیک: info@saba-psi.ir

تارنما: www.saba-psi.ir

فهرست

چکیده.....	الف
مقدمه.....	۱
نابرابری درآمدی و آثار بازتوزیعی مالیات‌ها و پرداخت‌ها در کشورها.....	۵
روش تحقیق.....	۱۰
داده‌ها.....	۱۲
انتخاب واحد درآمدی.....	۱۴
تمرکز بر کل جمعیت- شامل طرح‌های بازنشستگی عمومی.....	۱۵
روند توزیع درآمد اولیه و درآمد قابل تصرف در کشورهای LIS.....	۱۶
اثر بازتوزیعی مالیات‌ها و پرداخت‌ها ۲۰۱۳-۱۹۸۲.....	۳۲
نابرابری و بازتوزیع مالی پیش و پس از رکود بزرگ.....	۳۳
مقیاس برنامه و هدف‌گذاری پرداخت‌ها.....	۳۷
تجزیه اجزای تأثیرات بازتوزیعی پرداخت‌های اجتماعی و مالیات بر درآمد در طول زمان.....	۴۰
نتیجه‌گیری.....	۴۶
منابع.....	۴۹

چکیده

در اغلب کشورهای عضو سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۱ (OECD) شکاف درآمدی بین فقیر و غنی در طول دهه‌های گذشته عمیق‌تر شده است. این مقاله تحلیل می‌کند که آیا مالیات‌های بر درآمد و پرداخت‌های اجتماعی^۲ در این روند تأثیر داشته‌اند و این تأثیر تا چه میزان بوده است؟ آیا تأثیرات بازتوزیعی برنامه‌های اجتماعی مختلف در طول زمان تغییر کرده است؟ برای این منظور ما از داده‌های خرد مرکز داده‌های فراملی مطالعات درآمدی لوکزامبورگ^۳ برای دوره زمانی ۱۹۸۲ تا ۲۰۱۴ استفاده می‌کنیم و نیز جمعیت در سن اشتغال را به همراه کل جمعیت مورد بررسی قرار می‌دهیم. نتایج به دست آمده نشان می‌دهند که، برخلاف نتایج برخی مطالعات (به‌ویژه مطالعه OECD)، بازتوزیع کاهش پیدا نکرده است. نظام‌های مالیات-مزایا در حدود سال ۲۰۱۳ در مقایسه با میانه دهه ۱۹۸۰ و میانه دهه ۱۹۹۰ در کاهش نابرابری درآمدی، به‌ویژه در میان

1. Organisation for Economic Co-operation Development

۲. بر اساس تعریف ارائه شده توسط سازمان بین‌المللی کار، تمامی مزایای مربوط به تأمین اجتماعی نمودی از پرداخت‌های اجتماعی هستند. این مزایا می‌توانند به صورت نقدی باشند یا به صورت پرداخت دستمزد یا ارائه خدمات از یک گروه در جامعه به گروهی دیگر، به عنوان مثال از سوی افراد فعال جامعه به سالمندان، از افراد سالم جامعه به بیماران یا از ثروتمندان به فقرا.

3. LIS Cross-National Data Center in Luxembourg

جمعیت کل، موثرتر بوده‌اند. به‌علاوه، تغییر در برنامه‌های اجتماعی، محرک نابرابری بیشتر درآمدی در کشورهای مورد بررسی این مطالعه به‌شمار نمی‌روند.

کلید واژه ها

دولت رفاه، مزایای نقدی، بازتوزیع درآمدی، مالیات بندی، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی

مقدمه

در دو یا سه دهه گذشته گرایش کلی به افزایش نابرابری درآمدی در اکثریت قاطعی از کشورهای ثروتمند وجود داشته است. از میانه دهه ۱۹۸۰ در کشورهای عضو OECD نابرابری بیشتر در درآمد اولیه^۱، محرکی برای عمیق تر ساختن شکاف بین فقیر و غنی بوده است (OECD، ۲۰۰۸، ۲۰۱۱، ۲۰۱۵). توضیحات متعددی در مورد نابرابری درآمدی ارائه شده‌اند (اتکینسون^۲، ۲۰۱۵؛ پیکتی^۳، ۲۰۱۴). یکی از نیروهای محرک اصلی توزیع درآمد قابل تصرف^۴ کاهش نابرابری از طریق نظام پرداخت مالیات است (اتکینسون و براندولینی^۵، ۲۰۰۱؛ اسمیدینگ^۶، ۲۰۰۴). اثر کلی بازتوزیعی را می‌توان به بازتوزیع از طریق پرداخت‌ها [ی اجتماعی] و مالیات بر درآمد تقسیم کرد، با این حال می‌توان با جزئیات بیشتر نیز به

۱. درآمد اولیه را می‌توان به عنوان درآمد حاصل از کار و سرمایه و پرداخت‌های خالص از دیگر خانوارها تعریف کرد.

2. Atkinson

3. Piketty

4. Disposable income

میزان کل پولی که پس از تفریق مالیات و حق بیمه جهت مخارج و پس‌انداز برای خانوار باقی می‌ماند.

5. Brandolini

6. Smeeding

این موضوع پرداخت (فرارینی و نلسون^۱، ۲۰۰۳؛ مالر و یزویت^۲، ۲۰۱۰، ۲۰۱۷؛ وانگ، کامینادا و گودسوارد^۳، ۲۰۱۲). در میانه دهه اول هزاره اخیر، متوسط اثر بازتوزیعی حاصل از پرداخت‌های نقدی دو برابر اثر آن از طریق مالیات خانوارها بوده است. صرف‌نظر از این مسئله، تجربه ایالات متحده در دستیابی به سهم بیشتر مالیات‌ها در بازتوزیع درخور توجه است (OECD، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۱؛ وایتفورد^۴، ۲۰۱۰؛ وانگ و کامینادا^۵، ۲۰۱۱؛ وانگ، کامینادا و گودسوارد، ۲۰۱۲). نظربه‌اینکه طی ۲۵ سال گذشته، نظام انتقال از طریق مالیات‌ستانی تنها قادر به جبران بخش کوچکی از افزایش در نابرابری درآمد بوده، درآمد قابل تصرف (یعنی درآمد پس از کسر مالیات بر درآمد و مزایای اجتماعی) نیز در بسیاری از این کشورها نابرابرتر شده است.

این مقاله تغییرات به‌وقوع پیوسته در آثار بازتوزیعی پرداخت‌های اجتماعی و مالیات‌های بر درآمد (شامل حق بیمه‌های اجتماعی) خانوارها را با جزئیات مورد بررسی قرار می‌دهد. ادبیات گسترده دهه‌های گذشته در زمینه «کاهش هزینه‌های دولت رفاه»، به کاهش بازتوزیع در دولت‌های رفاه اشاره دارند؛ و لذا، سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) به این نتیجه رسیده است که طی سال‌های اخیر بازتوزیع در اکثر کشورها کاهش یافته است (کاوسا و هرمانسن^۶، ۲۰۱۷). این درحالی است که، مطالعاتی دیگر نشان می‌دهند دولت‌های رفاه در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ از خاصیت بازتوزیعی بیشتری برخوردار بوده‌اند (کنورثی و پونتوسون^۷، ۲۰۰۵؛ وانگ، کامینادا و گودسوارد، ۲۰۱۴). باین‌وجود، اگرچه دولت‌های

1. Ferrarini and Nelson
2. Jesuit and Mahler
3. Wang, Caminada and Goudswaard
4. Whiteford
5. Wang and Caminada
6. Causa and Hermansen
7. Kenworthy and Pontusson

رفاه قادر به برطرف کردن کامل نابرابری در درآمد اولیه خانوارها نبوده‌اند، اما اغلب آنها تا حدی موفق به انجام این کار شده‌اند. به‌طورکل، می‌توان گفت که عملکرد این دولت‌ها مطابق چیزی بوده که برای آن طراحی شده‌اند؛ اما این بازارها و نه سیاست‌های بازتوزیعی - هستند که مسبب ایجاد نابرابری بیشتر بوده‌اند. البته توجه به این نکته نیز حائز اهمیت است که نابرابری بیشتر در درآمد اولیه، حتی بدون هیچ‌گونه اقدام سیاستی، می‌تواند به‌طور خودکار منجر به بازتوزیع بیشتر شود، چراکه نظام‌های مالیات-مزایای عموماً در حال رشد و ترقی هستند (ایمرول و ریچاردسون^۱، ۲۰۱۱).

توجه فزاینده به تفاوت‌های ملی و فراملی در نابرابری درآمدها و عواید، سبب انجام مطالعات بسیاری در این زمینه شده که راه‌اندازی مرکز داده‌های فراملی ال.آی.اس در لوکزامبورگ (LIS)، با دستور کار «هماهنگ‌سازی» مجموعه داده‌های خرد کشورهای مختلف، مهم‌ترین پیشرفت در این زمینه به حساب می‌آید.^۲ نتیجه آن امکان پذیرشیدن مطالعه نابرابری درآمدی بین کشورهای در سال‌های مختلف است (مراجعه کنید به اتکینسون، رین واتر و اسمیدینگ^۳، ۱۹۹۵). با این حال، بهبود شیوه‌های سنجش و نیز ارتقای سطح دانش تجربی در تضاد با فقدان بینشی مشخص از علل تغییر در میزان برابری است.^۴ جای تعجب نیست اگر گفته شود که توزیع درآمد در یک کشور حاصل تصمیمات متعددی است که در طول زمان توسط خانوارها، کسب‌وکارها، سازمان‌ها و

1. Immervoll and Richardson

2. LIS Cross-National Data Center. 2017. Luxembourg Income, LIS Key Figures and LIS Database, Luxembourg <www.lisproject.org>.

3. Atkinson, Rainwater and Smeeding

۴. سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (OECD، ۲۰۰۸، ۲۰۱۱، ۲۰۱۵) روندها و عوامل محرک در توزیع درآمد و فقر را بر اساس پاسخ‌های به یک پرسش‌نامه هماهنگ شده کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (یعنی شاخص‌های توزیع منتج از داده‌های ملی اقتصاد خرد) جمع‌بندی می‌کند.

بخش عمومی گرفته می‌شوند (گُدسچاک و اسمیدینگ^۱، ۲۰۰۰). رشد نابرابری درآمد اولیه، تغییرات جمعیتی، تغییرات اندازه و ترکیب خانوار و سایر عوامل درون‌زا، در بسیاری از کشورها نیروهای اصلی زمینه‌ساز رشد نابرابری درآمد قابل تصرف به‌شمار می‌روند. این تحول در نابرابری درآمدی صرفاً ماحصل عوامل اقتصادی متعارف و معمول نیست؛ بلکه گویای تأثیر نهادها و سیاست‌های ملی نیز است (اتکینسون، ۲۰۰۰).

ما در تحلیل خود از سطح و میزان تحول توزیع درآمد و بازتوزیع مالی از داده‌های درآمد LIS، به شیوه‌ای استاندارد شده بین کشورها و در طی زمان، استفاده خواهیم کرد. بر این اساس، تمرکز ما بر تأثیر پرداخت‌های اجتماعی مختلف و مالیات‌های بر درآمد (اعم از حق بیمه‌های اجتماعی) بر بازتوزیع درآمد خواهد بود؛ و در عین حال روندهای دوره زمانی ۱۹۸۲ تا ۲۰۱۴ را با جدیدترین اطلاعات تحلیل خواهیم کرد. در اینجا، برای بررسی اثرات ترکیبی مالیات‌های بر درآمد و پرداخت‌ها بر (باز)توزیع درآمد از رویکرد سنتی تحلیل اثر بودجه‌ای^۲ - علی‌رغم برخی مشکلات روش‌شناسی که به آن‌ها اشاره خواهد شد - استفاده خواهیم کرد. توزیع درآمد اولیه با توزیع درآمد پس مالیات‌ها و پرداخت‌های اجتماعی مقایسه خواهد شد. این تغییر در سنجه‌های نابرابری بین درآمد پیش و پس از مداخله دولت نشان‌دهنده بازتوزیع مستقیم دولتی است.

در این مقاله ما پژوهش مالر^۳ و یزویت^۴ (۲۰۰۶) و وانگ، کامینادا و گودسوارده^۵ (۲۰۱۴) را بسط داده و یک مجموعه داده‌های کاربرپسند، یعنی مجموعه داده‌های بازتوزیع مالی اثر بودجه‌ای بر نابرابری درآمدی لایدن LIS را ارائه خواهیم کرد

-
1. Gottschalk and Smeeding
 2. Budget incidence
 3. Mahler
 4. Jesuit
 5. Wang and Caminada

(وانگ و کامینادا، ۲۰۱۷). پایگاه‌دادهٔ جدید به‌این‌خاطر مورد تقاضا قرار گرفت که کارکنان LIS یک بازنگری اساسی در قالب پایگاه‌داده را انجام داده بودند. بسیاری از اجزای این قالب بازنگری شده را در مورد کلیهٔ نوسانات داده‌های خرد قبلی، به‌طور عطف به ماسبق، به کار گرفته شده‌اند. این الگو همچنین، امکان مقایسه‌پذیری داده‌ها در طول زمان و بین کشورها را افزایش می‌دهد. مجموعه داده‌های به‌روزرسانی‌شده، تمامی ۴۷ کشور LIS و دوره زمانی طولانی‌تری (۲۰۱۴-۱۹۶۷) را پوشش می‌دهد.

سایر بخش‌های این مقاله به این ترتیب است: اول، خلاصه‌ای از ادبیات اثر بازتوزیعی مالیات‌ها و پرداخت‌ها در کشورهای LIS و سپس ارائهٔ روش تحقیق و نتایج تجربی به‌دست‌آمده قبل از ارائهٔ نتایج.

نابرابری درآمدی و آثار بازتوزیعی مالیات‌ها و پرداخت‌ها در کشورها

رابطه بین نابرابری درآمدی و بازتوزیع در ابعاد مقایسهٔ بین‌کشوری چندان شفاف و روشن نیست (لمبرت و نسابکن و تُرسِن، ۲۰۱۰) و دلیل اصلی آن از تفاوت در شیوه‌های سنجش نشات می‌گیرد. در واقع، با وجود سه نوع توزیع (درآمد پیش از مالیات/پرداخت، درآمد پس از مالیات/پرداخت و سیستم مالیات بر سود) و نیز معیارهای مختلف نابرابری برای جمع‌آوری این توزیع‌ها، چندان جای تعجب نیست که این ادبیات طیف متنوعی از روش‌های پژوهشی و نتایج تجربی را پیش روی ما بگذارد. لذا، ما باید با مرور تعداد محدودی از مطالعات انجام‌شده، دامنهٔ کار خود را به ادبیات مبتنی بر ضریب جینی - که تا به امروز رایج‌ترین روش به‌شمار می‌رود- و کاربردهای آن محدود کنیم.

مطالعات متعددی که به تحلیل توزیع درآمد در کشورهای مختلف پرداخته‌اند، نشان می‌دهند سیاست‌گذاری اجتماعی (پرداخت‌ها و مالیات‌ها) در میزان

بازتوزیع درآمد نقش مهمی دارد.^۱ بررسی‌های کنورثی^۲ و پنتوسن^۳ (۲۰۰۵) از روند نابرابری درآمد اولیه و بازتوزیع در کشورهای OECD در دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ بیانگر افزایش بازتوزیع در اغلب این کشورها بود. به عبارتی، سیاست‌های دولت رفاه افزایش نابرابری درآمد اولیه بین کشورها را جبران کرده است.

نتایج مطالعه‌ای که اخیراً توسط OECD (کاسا و هرمانسن، ۲۰۱۷) و با استفاده از داده‌های تا سال ۲۰۱۴ انجام شده، نشان می‌دهد که در کشورهای عضو این سازمان، بازتوزیع از طریق مالیات بر درآمد و پرداخت‌های نقدی، نابرابری درآمدی بین جمعیت در سن اشتغال را به طور میانگین تا اندکی بیش از یک چهارم کاهش داده است (به ایمورول و ریچادسون^۴، ۲۰۱۱ مراجعه کنید). در تمامی این کشورها، پرداخت‌های نقدی بزرگ‌ترین بخش از بازتوزیع و مالیات‌ها بخش کوچک‌تری از آن را تشکیل می‌دهند. حق بیمه‌های تأمین اجتماعی از اثرات کاهنده ضعیفی در برخی کشورها برخوردارند. با این حال، مطالعه مذکور نشان می‌دهد که از میانه دهه ۱۹۹۰ (به‌ویژه میانه دهه ۱۹۹۰ تا میانه دهه ۲۰۰۰) بازتوزیع در اکثر این کشورها به‌طور متوسط کاهش یافته است. این کاهش به‌طور خاص در برخی کشورهای نوردیک (شمال اروپا) بسیار قابل توجه بوده است. کاهش در کل بازتوزیع را می‌توان عمدتاً به پرداخت‌ها نسبت داد؛ و مالیات‌ها در این بین نقش کم‌اهمیت‌تری بازی می‌کنند.

بارگین^۵ و دیگران^۶ (۲۰۱۷) با استفاده از پیمایش خانوارها و شبیه‌سازی‌های خرد،

1. Among others, Atkinson (2003), Atkinson and Brandolini (2001), Brandolini and Smeeding (2007), and Smeeding (2004).

2. Kenworthy

3. Pontusson

4. Immervoll and Richardson

5. Bargain

6. Bargain et al.

تأثیر اصلاح برنامه‌های مالیات-مزایا، در واکنش به رکود بزرگ^۱، بر نابرابری را مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. آنها دریافتند که واکنش‌های سیاستی، در اولین مرحله از بحران، به تثبیت یا حتی کاهش نابرابری در بریتانیا، فرانسه و ایرلند کمک کردند؛ اما در آلمان، اثر سیاست‌گذاری‌ها بر نابرابری اندک بود. در مرحله بعدی بحران، اصلاحات سیاستی تأثیراتی در هم‌میخته داشت؛ به‌نحوی که طی این دوره، تغییرات مالیات-مزایا باعث افزایش نابرابری، به‌ویژه در ایرلند، گردید. اغلب مطالعات بر بازتوزیع کلی متمرکزند؛ درحالی که برخی دیگر، به جزئیات تأثیر اجزای درآمدی بر نابرابری کلی می‌پردازند (شوروکس^۲، ۱۹۸۳؛ لِرمان و بیتزاک^۳، ۱۹۸۵؛ چنکینز^۴، ۱۹۹۵؛ برین، گارسیا-پنالوسا و آرگیازی^۵، ۲۰۰۸). آنچه از نتایج این مطالعات برمی‌آید این است که مالیات‌های بر درآمد و مزایای اجتماعی در کاهش نابرابری درآمدی خانوارها بسیار مهم هستند. پلوتنیک^۶ (۱۹۸۴) اثر بازتوزیعی پرداخت‌های نقدی در ایالات متحده در سال‌های ۱۹۶۷ و ۱۹۷۴ را محاسبه کرد. کامینادا و گودزوارد (۲۰۰۱) با انجام تحلیل اثر بودجه‌ای در هلند به تأثیر پرداخت‌های و مالیات‌ها در سال‌های ۱۹۸۱، ۱۹۹۱ و ۱۹۹۷ پرداختند. فرارینی^۷ و نلسون^۸ (۲۰۰۳) نیز با تمرکز بر آثار مالیات‌ستانی و بیمه‌های اجتماعی ده کشور در سال ۱۹۹۵، به مقایسه (باز)توزیع درآمد بین و درون کشورها پرداختند. مالر و یزویت (۲۰۰۶) بازتوزیع دولتی را به اجزای متعددی تقسیم می‌کنند: آثار بازتوزیعی حاصل از پرداخت بیمه‌های بیکاری، مستمری‌ها

1. Great Recession
2. Shorrocks
3. Lerman and Yitzhaki
4. Jenkins
5. Breen, García-Peñalosa and Orgiazzi
6. Plotnick
7. Ferrarini
8. Nelson

و مالیات‌ها. آنها دستاوردهای تجربی خود را طی سال‌های ۱۹۹۹ و ۲۰۰۰ در ۱۳ کشور و با استفاده از داده‌های LIS به کار بردند. کامینادا، گودزوارد و وانگ (۲۰۱۲) و وانگ، کامینادا و گودزوارد (۲۰۱۲ و ۲۰۱۴)، تحلیل‌های مالر و یزویت (۲۰۰۶) را با در نظر گرفتن مزایای اجتماعی و مالیات‌های بیشتر به‌روزرسانی کرده و بسط دادند؛ همچنین تحلیل مبتنی بر اثر بودجه‌ای را در سطحی وسیع‌تر (۳۶ کشور) و با استفاده از داده‌های LIS تا سال ۲۰۰۴، به‌کار بردند. نتیجه به‌دست‌آمده این بود که پرداخت‌ها منشاء ۷۵ درصد بازتوزیع به‌شمار می‌روند؛ درحالی‌که این میزان برای مالیات‌های مستقیم ۲۵ درصد است. اگرچه ویژگی بازتوزیعی مزایای بازنشستگی (مستمری) در کشورهای مختلف متفاوت است، بااین‌حال، بیش از نیمی از کل بازتوزیع مدیون ای نوع پرداخت است. بیمه‌های بیکاری، به لحاظ تأثیرات بازتوزیعی، دومین برنامه مهم در این زمینه به‌شمار می‌روند، اما تأثیر بازتوزیعی آن‌ها تنها یک پنجم اثر مزایای بازنشستگی است. یافته‌ی دیگر پژوهش مالر و یزویت (۲۰۰۶) این است که بازتوزیع با اندازه‌ی مزایای اجتماعی رابطه قوی‌تری دارد تا با میزانی که این مزایا گروه‌های کم‌درآمد را هدف قرار می‌دهند (کارایی هدف‌گذاری). مطالعاتی که ابزارهای مزایا-مالیات را به‌کار می‌گیرند، نشان می‌دهند که اثر بازتوزیعی پرداخت‌ها بسیار مهم‌تر از مالیات‌ها هستند (ایمورول و دیگران، ۲۰۰۵؛ مالر و یزویت، ۲۰۰۶؛ وانگ، کامینادا و گودسوارد، ۲۰۱۲، ۲۰۱۴).

برخی از مطالعات از مدل شبیه‌سازی خرد EUROMOD برای تحلیل اثر توزیعی پرداخت‌ها و مالیات‌ها در اتحادیه اروپا^۱ استفاده می‌کنند. دی آگوستینی و دیگران^۲ (۲۰۱۴) با تحلیل اصلاحات سیاست مزایا-مالیات، که از زمان رکود بزرگ اجرا شدند، دریافتند که تغییر در مالیات‌های مستقیم، مزایای بازنشستگی و

1. See <www.euromod.ac.uk>.

2. De Agoštini et al.

پرداخت‌های نقدی، جز در آلمان، تأثیراتی به شدت کاهنده بر نابرابری داشته‌اند. اما پس از اضافه‌شدن VAT، به نظر می‌رسد که این بستهٔ سیاستی کم‌رنگ‌تر شده باشد. هیلز و همکاران^۱ (۲۰۱۴) نشان می‌دهند که بخش عمده‌ای از تغییرات ساختاری سیاستی، به‌ویژه تغییراتی که در دوره بحران (۲۰۰۷ تا ۲۰۱۱) انجام شدند، اثرات افزایشی بر نابرابری داشتند. آوام^۲، لوی^۳ و سوترلند^۴ (۲۰۱۴) به تحلیل انواع گوناگون سیاست‌ها در کاهش اختلافات درآمدی پرداخته و نتیجه گرفتند که، علی‌رغم پیشرفت اندک این برنامه‌ها در برخی کشورها، مزایای بازنشستگی و مالیات‌های مستقیم بیشترین تأثیر را بر بازتوزیع‌ها دارند. بنابراین مقیاس این برنامه‌ها مهم‌تر از هدف‌گذاری آنها بر گروه‌های کم‌درآمد است. بنا به اظهار فیگاری^۵ و پالوس^۶ (۲۰۱۵)، اثر کلی بازتوزیعی نظام‌های مالیات-مزایا تا حدود زیادی به مفهوم به‌کارگرفته‌شده از درآمد دارد. آن‌ها مفهومی وسیع از درآمد را ارائه کردند که دربرگیرندهٔ مالیات‌های غیرمستقیم، ارزش اجارهٔ انتسابی [املاک در اختیار مالک]^۷ و مزایای اضافی مازاد بر حقوق و دستمزد^۸ نیز می‌باشد. به‌کارگیری این مفهوم در سه کشور اروپایی (بلژیک، یونان و انگلستان) سبب کم‌تر شدن میزان اختلاف‌ها در بازتوزیع بین کشورها شد.

1. Hills et al.

2. Avram

3. Levy

4. Sutherland

5. Figari

6. Paulus

7. Imputed Rent

8. in-kind benefits

روش تحقیق

اندازه‌گیری اثرات بازتوزیعی مالیات‌های بر درآمد و پرداخت‌های اجتماعی

روش استاندارد محاسبه اثر پرداخت‌های اجتماعی بر نابرابری درآمدی استفاده از تحلیل اثر بودجه‌ای و قانونی (حقوقی) است (موسگریو، کیس و لئونارد، ۱۹۷۴). اثر بازتوزیعی مالیات‌ها و پرداخت‌های درآمدی را می‌توان از طریق مقایسه نابرابری پیش و پس از مالیات-پرداخت‌های درآمدی ارزیابی کرد (OECD، ۲۰۰۸، صفحه ۹۸). تعریف ساده‌ی بازتوزیع، تفاوت بین نابرابری درآمد اولیه و نابرابری درآمد قابل تصرف است، که در این نوع تحلیل، نابرابری درآمدی با ضریب جینی اندازه‌گیری می‌شود. اما شاخص‌های متعدد دیگری نیز در زمینه نابرابری درآمدی وجود دارند که همیشه هم نتایج یکسانی را به دست نمی‌دهند (مراجعه کنید به اتکینسون، رین واتر و اسمیدینگ، ۱۹۹۵).

ادبیاتی انتقادی در مورد تحلیل‌های بار بودجه‌ای وجود دارد؛ برای مطالعه یک ارزیابی انتقادی از تلاش‌های صورت گرفته در این حوزه (اندازه‌گیری بار بودجه‌ای) به پژوهش اسمولنسکی^۱، هویت^۲ و دانزیگر^۳ (۱۹۸۷) مراجعه کنید. به عنوان مثال، تحلیل‌های مبتنی بر بار بودجه‌ای، موضوع مهم واکنش‌های رفتاری و خصوصاً تغییرات اساسی مالیات/پرداخت را نادیده می‌گیرند. هم میزان سخاوتمندی و هم کارایی سیستم مالیات-پرداخت می‌تواند سطح نابرابری درآمدی پیش از مالیات-پرداخت‌ها را تحت تاثیر قرار دهد. باین حال، مدل‌هایی که تمامی این پیوندها را دربرگیرند فراتر از میدان کارهای پژوهش تجربی موجود هستند (گاتسچاک و اسمدینگ^۴، ۲۰۰۰). بنابراین، پژوهش‌گران تا حدود زیادی فعالیت

1. Smolensky

2. Hoyt

3. Danziger

4. Gottschalk and Smeeding

خود را به تجزیه تغییرات در نابرابری کلی به مجموعه‌ای از اجزای کوچک‌تر محدود می‌کنند (مراجعه کنید به کریستیانسن^۱، ۲۰۱۱؛ فیوست، نیهوس و پیچل^۲، ۲۰۱۰؛ پُل، ۲۰۰۴). با این حال، این انتقادات به نتیجه‌گیری‌های تحلیل‌های بار بودجه‌ای خدشه‌ای وارد نمی‌کنند.

برای ارزیابی اثرات جزئی مالیات‌ها و مزایای اجتماعی خاص بر بازتوزیع کلی، ما از یک روش تجزیه حسابداری متوالی (مرحله‌ای)^۳ برای ضریب جینی استفاده می‌کنیم. با این وجود، باید توجه داشت که این رویه تا حدودی اختیاری است زیرا نوع انتخاب درآمد معیار^۴ بر نتیجه تأثیر می‌گذارد. برای مثال، تغییر مفهوم بازتوزیع از مالیات بر درآمد اولیه به مالیات بر درآمد ناخالص پیامد نهایی را تا اندازه‌ای تغییر می‌دهد. به طوری که، اثرات بازتوزیعی ناشی از اعمال مالیات بر درآمد ناخالص (درآمد اولیه به اضافه مزایای اجتماعی)، ممکن است کمتر از حد واقعی نشان داده شوند. با این اوصاف، منطق تجزیه ضریب جینی این است که مالیات‌ها بر درآمد ناخالص و منافع بر درآمد اولیه اعمال می‌شوند. کاکوانی^۵ (۱۹۸۶) از جمله افرادی است که از این رویکرد دفاع می‌کند.

رویکرد تجزیه حسابداری متوالی (مرحله‌ای) نابرابری درآمدی از پژوهش‌های مالر و یزویت (۲۰۰۶)، کریستیانسن (۲۰۱۱) و کامر^۶، نیهوس^۷ و پیچل^۸ (۲۰۱۲) پیروی می‌کند، که در آن شاخص‌های نابرابری به طور متوالی برای تعیین اثر بازتوزیعی مؤثر منابع درآمدی مختلف محاسبه می‌شوند. البته تکنیک‌های

-
1. Kristjánsson
 2. Fuest, Niehues and Peichl
 3. Sequential accounting decomposition approach
 4. Benchmark Income
 5. Kakwani
 6. Kammer
 7. Niehues
 8. Peichl

دیگری از تجزیه ضریب جینی بر اساس منبع درآمد نیز در ادبیات مربوط به این حوزه می‌توان یافت^۱ ولی رویکرد حسابداری متوالی سراسرترین آنها به شمار می‌رود.

تفکیک نابرابری از طریق نوع منبع درآمدی می‌تواند از تحت تاثیر همین آثار مرحله‌ای (متوالی) قرار گیرد. به عنوان مثال، یک پرداخت اجتماعی مشخص، بسته به اینکه اولین یا آخرین برنامه اجتماعی به‌شمار آید، می‌تواند بیشترین یا کمترین تأثیر بازتوزیعی را داشته باشد. توالی این محاسبات نتایج را تحت تاثیر قرار خواهد داد؛ اما آن را این‌گونه می‌توان تصحیح کرد: ابتدا هر نوع پرداخت انتقالی اجتماعی خاص را به عنوان اولین برنامه‌ای که به درآمد اولیه اضافه می‌شود در نظر می‌گیریم و آخرین برنامه، در پی سایر برنامه‌های انتقال درآمد می‌آید. در نتیجه، دو نتیجه مختلف برای ضریب جینی به دست می‌آید. زمانی که از نتایج تجزیه کشورهای مختلف میانگین‌گیری می‌شود، به دلیل وجود مشاهدات مفقود، مجموع تمامی تأثیرات بازتوزیعی (اندکی) بیشتر از ۱۰۰ درصد می‌شود. لذا، برای اصلاح این تأثیر مقیاس اثرات بازتوزیعی هر برنامه با استفاده از یک فاکتور تعدیل‌کننده تغییر داده شد؛ برای جزئیات این کار به کامینادا و دیگران (۲۰۱۷) مراجعه کنید.

داده‌ها

LIS بزرگ‌ترین پایگاه داده درآمدی داده‌های خرد هماهنگ‌شده در دسترس است که داده‌های ۴۷ کشور اروپایی، آمریکای شمالی، آمریکای لاتین، آفریقا، آسیا و استرالیا را در طول پنج دهه جمع‌آوری کرده است. این داده‌ها در ده موج سال‌های ۱۹۷۰، ۱۹۷۵، ۱۹۸۰، ۱۹۸۵، ۱۹۹۰، ۱۹۹۵، ۲۰۰۰، ۲۰۰۴، ۲۰۰۷ و ۲۰۱۰ قابل دسترس

1. See, for example, Lerman and Yitzhaki (1985), Stark, Taylor and Yitzhaki (1986), Kim (2000), Creedy and van de Ven (2001).

هستند. اما اطلاعات همه کشورها در هر موج‌ها ارائه نشده‌اند و اطلاعات برخی کشورها نیز بیش از یک سال در یک موج است. مجموعه داده‌های LIS، که در چارچوبی یکسان هماهنگ شده‌اند، شامل داده‌های مربوط به درآمد حاصل از اشتغال، درآمد حاصل از سرمایه، پرداخت‌های انتقالی تأمین اجتماعی و شخصی، مالیات بر درآمد و حق بیمه‌ها، جمعیتی، اشتغال و مخارج در سطوح فردی و خانوارها است (راوالیون^۱، ۲۰۱۵). این پایگاه داده‌ها به پژوهشگران اجازه دسترسی به داده‌های خرد را می‌دهند، به طوری که سنج‌های نابرابری درآمدی و بازتوزیع مالی (و تأثیر جزئی هر برنامه اجتماعی) را می‌توان به طور منسجم از داده‌های پایه در سطح خانوار و فرد به دست آورد. به نظر می‌رسد که این داده‌های خرد بهترین داده‌های در دسترس برای توصیف نحوه دگرگونی نابرابری درآمدی و تأثیرات بازتوزیعی مالیات‌های بر درآمد و پرداخت‌های اجتماعی بین کشورها در طول زمان است (نولان و مارکس^۲، ۲۰۰۹؛ اسمیدینگ و لاتنر^۳، ۲۰۱۵؛ نیونهویس، مونزی و گرنیک^۴، ۲۰۱۶). ما با استفاده از پیمایش‌های درآمدی قابل مقایسه برای تمامی کشورهای LIS از سال ۱۹۸۲ تا ۲۰۱۴، یک تحلیل فراملی انجام می‌دهیم. از حدود ۳۰۰ متغیر در مجموعه این داده، آن‌هایی که به درآمد خانوار (تمامی انواع منابع درآمدی)، تعداد کل افراد یک خانوار و وزن خانوار (برای تصحیح انحراف نمونه یا خطاهای غیرمرتبط با نمونه‌گیری) مرتبط هستند را انتخاب می‌کنیم، تا نابرابری درآمدی و اثر بازتوزیعی بین کشورها را اندازه‌گیری کنیم. مطابق با عرف معمول LIS و پژوهش مالر و یزویت (۲۰۰۶) و وانگ و کامینادا (۲۰۱۱)، ما مشاهدات با مقادیر صفر و مقادیر مقفود درآمد قابل تصرف را از داده‌های LIS کنار گذاشته‌ایم. وزن خانوارها نیز برای محاسبه ضریب جینی به کار گرفته می‌شوند.

1. Ravallion
2. Nolan and Marx
3. Smeeding and Latner
4. Nieuwenhuis, Munzi and Gornick

مقایسه کشورهای و تحلیل‌های روند توزیع درآمد مبتنی بر پایگاه داده‌های ناخالص/خالص LIS باید با احتیاط انجام شود؛ زیرا داده‌های درآمد ناخالص را در اغلب کشورها و سال‌ها فراهم می‌سازد، در حالی که در مورد برخی کشورها و برخی سال‌ها داده‌های مالیات (بر درآمد) خالص را ارائه می‌دهد. از ۲۹۳ مجموعه داده در دسترس LIS در زمان نگارش این مقاله، ۱۹۴ مجموعه داده‌های ناخالص، ۸۴ مجموعه داده‌های خالص و ۱۵ مجموعه «ترکیبی» دسته‌بندی شده‌اند.^۱

انتخاب واحد درآمدی

به‌طور متعارف، در این بررسی‌ها از درآمد سرانه خانوار برای تعدیل درآمدهای کل مطابق با تعداد افراد خانوار استفاده شده است. در دهه‌های گذشته، مقیاس‌های معادل‌سازی^۲ در ادبیات مربوط به توزیع درآمد به‌طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته‌اند (فیجینی^۳، ۱۹۹۸). مقیاس معادل‌سازی، تابعی است که از طریق درآمد و برداری از ویژگی‌های خانوار، درآمد تعدیل‌شده را محاسبه می‌کند. انعطاف‌پذیری این مقیاس برای پایگاه داده LIS حول وحوش ۰.۵ است؛ به‌این معنی که برای داشتن درآمدی معادل ۱۰۰ واحد، یک خانوار دو نفره باید درآمدی معادل ۱۴۰ واحد داشته باشند. از سوی دیگر، یک خانوار یک نفره باید ۷۰ درصد درآمد کل یک خانوار دو نفره را داشته باشد تا از درآمدی معادل آن‌ها برخوردار شود. با این وجود، نوع انتخاب مقیاس‌های معادل‌سازی مقایسه‌های بین‌المللی در مورد نابرابری درآمدی را تا حدود زیادی تحت تأثیر قرار می‌دهد.

1. See Documentation Guide in Wang and Caminada (2017).

2. Equivalence scales

بر اساس تعریف سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد، مقیاس برابری یکی از ابزار اولیه برای آماده‌سازی داده‌های خانوار برای یک تحلیل معنی‌دار در مورد نابرابری و فقر است. مقیاس برابری یک شاخص است که درآمدهای نامی خانوارهای ناهمگون را به معیارهایی قابل مقایسه از رفاه تبدیل می‌کند. این شاخص را می‌توان به عنوان تفاوت در هزینه‌های خانوارهای با اندازه و ترکیب مختلف در مقایسه با یک نوع خانوار معیار تفسیر کرد.

3. Figini

از سوی دیگر، شیوه‌های تعدیل نیز قطعاً بر رتبه‌بندی کشورها تأثیر خواهند گذاشت، اگرچه الگوی کلی به همان شکل باقی خواهد ماند (اتکینسون، رین و اتر و اسمیدینگ، ۱۹۹۵ صفحه ۵۲).

تمرکز بر کل جمعیت - شامل طرح‌های بازنشستگی عمومی

برخلاف بیشتر مطالعات موجود، این مطالعه هم بر کل جمعیت و هم بر جمعیت غیرسالمند (افراد ۶۴-۱۸ ساله) متمرکز است. محدود کردن این تحلیل به غیرسالندان باعث اجتناب از برخی مشکلات ذاتی مربوط به مقایسه درآمدها بین افراد واقع در مراحل مختلف از زندگی‌شان می‌شود. به عنوان مثال، کارکرد مهم مستمری‌های سالمندی، بازتوزیع درآمد بین دوره‌های مختلف چرخه حیات فرد است؛ در این زمینه، تمرکز بر غیرسالندان به درک مهم‌ترین عناصر بازتوزیع بین‌فردی کمک می‌کند. با این حال، به باور ما بزرگترین برنامه پرداختی دولت، یعنی مستمری‌های عمومی، را نمی‌توان از تحلیل‌ها کنار گذاشت. برنامه‌های پرداخت مستمری‌های بازنشستگی عمومی اغلب به عنوان بخشی از چتر حمایتی دیده می‌شوند که تأثیر فراوانی بر فقرزدایی دارند. بنابراین، مزایای بازنشستگی دوران سالمندی نیز مشمول تحلیل ما از بازتوزیع خواهند بود. بدیهی است که بین کشورها تفاوت‌هایی در زمینه تدارک مستمری‌های عمومی در برابر مستمری‌های خصوصی وجود دارد (OECD، ۲۰۰۸، صفحه ۱۲۰). مستمری‌های شغلی و خصوصی فی‌نفسه جزو برنامه‌های بازتوزیعی به‌شمار نمی‌روند؛ اگرچه، از تأثیر بازتوزیعی معنی‌داری بر میزان نابرابری پیش و پس از مالیات‌ها - پرداخت‌های اجتماعی در زمانی مشخص، به‌ویژه میان سالندان، برخوردار هستند (بین^۱ و دیگران، ۲۰۱۷). در این مطالعه، ما در عمل از لیست متغیرهای درآمدی

1. Been

خانوار LIS^۱ پیروی می‌کنیم: یعنی، مستمری‌های شغلی و خصوصی از جمله پرداخت‌های تأمین اجتماعی تلقی می‌شوند و در همین قالب نیز با آنها برخورد می‌شود (به یزویت و مالر، ۲۰۱۷ نیز مراجعه کنید).

روند توزیع درآمد اولیه و درآمد قابل تصرف در کشورهای LIS

نابرابری بین کشورها ۲۰۱۳-۱۹۸۲

در این بخش مقایسه‌های فراملی از نابرابری درآمد اولیه و قابل تصرف بین کشورهای مختلف در طول زمان ارائه می‌شود. ۱۵ کشور با حداقل سه داده در سه نقطه زمانی (حدود سال‌های ۱۹۸۵، ۱۹۹۷ و ۲۰۱۰ یا بعدتر) انتخاب شده‌اند؛ که شامل کشورهایی هستند که کل خط‌سیر اطلاعاتی آنها از درآمد اولیه تا درآمد قابل تصرف در دسترس باشد. تغییرات در سطوح نابرابری با ضریب جینی نشان داده می‌شوند. به‌طور کلی، با دسته‌بندی کشورها به ترتیب سال‌های ۱۹۸۵، ۱۹۹۷ و ۲۰۱۰ و بعد از آن، متوسط روندهای نابرابری و بازتوزیع در آنها نشان داده شده‌اند. مشخصات همه ۱۵ کشور LIS در شکل (۱) آمده است.

جدول (۱) متوسط روند نابرابری درآمد اولیه و درآمد قابل تصرف ۱۵ کشور از سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۴ را نشان می‌دهد، که برخی تفاوت‌های مهم در دوره‌های مختلف زمانی را برجسته می‌کند. احتساب کل جمعیت سبب می‌شود که میانگین نابرابری درآمدی به‌میزان چشمگیری افزایش پیدا کند. این افزایش در دوره ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۴ در مقایسه با دوره ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۷ بسیار بیشتر بود. گسترش شکاف درآمدی در نتیجه افزایش نابرابری در توزیع درآمد اولیه بوده که تا حدودی با پرداخت‌های اجتماعی و مالیات بر درآمد و حق بیمه‌های تأمین اجتماعی جبران شد. در دهه دوم، نابرابری درآمد اولیه و نابرابری درآمد قابل تصرف کم و بیش به‌طور موازی افزایش یافتند.

1. LIS Household Income Variables List

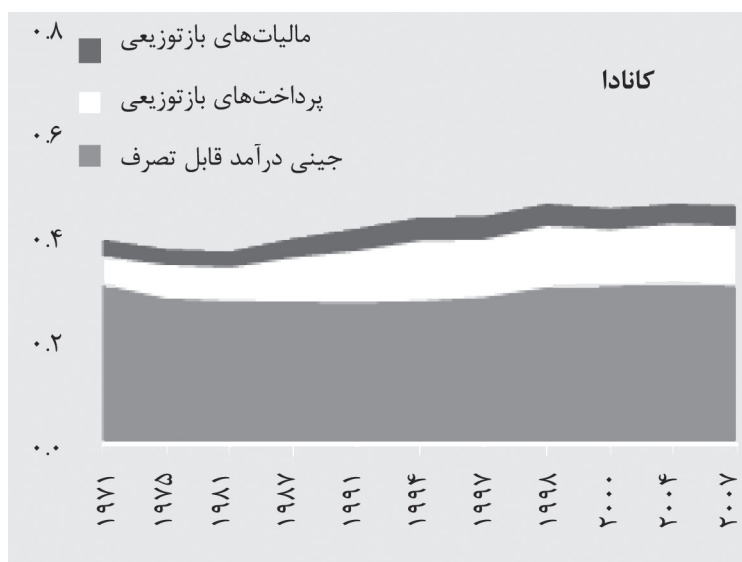
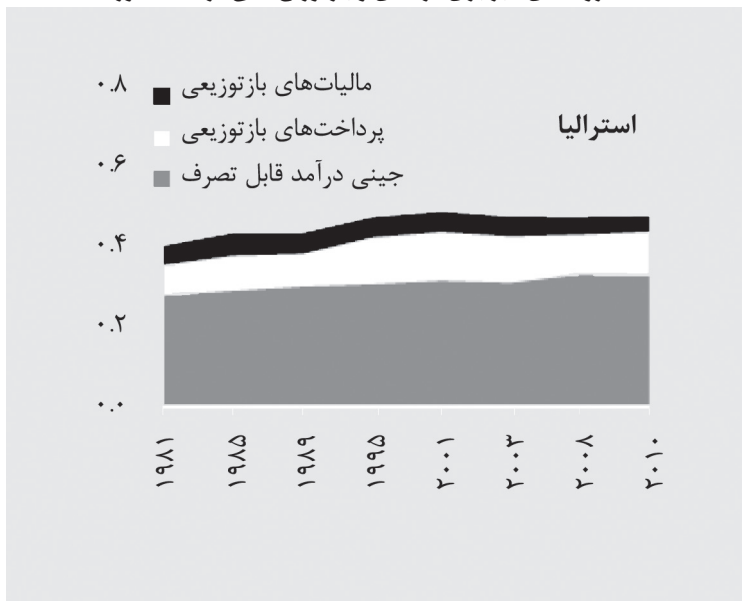
یافته‌های ما نشان می‌دهند که نابرابری درآمد اولیه در این کشورها طی دوره‌ای ۲۵ ساله به طور میانگین ۱۱ درصد افزایش داشته است. چنین افزایشی در یک دوره زمانی نسبتاً کوتاه، بسیار قابل توجه است. اگرچه نابرابری در درآمد اولیه محرک اصلی روندهای نابرابری درآمدهای قابل تصرف بوده، اما تأثیر بازتوزیع مالی نیز بایستی مشخص شود. بین سال‌های ۱۹۸۲ و ۲۰۱۳، نظام‌های بازتوزیعی تنها قادر به جبران ۶۳ درصد از افزایش در نابرابری درآمد اولیه بودند. نابرابری در درآمد اولیه به طور متوسط حدود ۰.۰۴۸ افزایش یافت، درحالی‌که بازتوزیع ۰.۰۳۰ افزایش پیدا کرد. مالیات بر درآمد و پرداخت‌های اجتماعی در سال ۲۰۱۳ نابرابری درآمدی را مجموعاً حدود ۳۸ درصد کاهش دادند؛ که اندکی بیش از مقدار آن در میانه دهه ۱۹۸۰ (۳۵ درصد) است. این روندها برای جمعیت در سن اشتغال نیز یکسان هستند؛ یعنی، افزایش در نابرابری درآمد اولیه و افزایش اندکی کمتر در نابرابری درآمد قابل تصرف. بازتوزیع مالی بین جمعیت در سن اشتغال نیز افزایش یافته ولی به میزانی کمتر از بازتوزیع مالی در بین کل جمعیت.

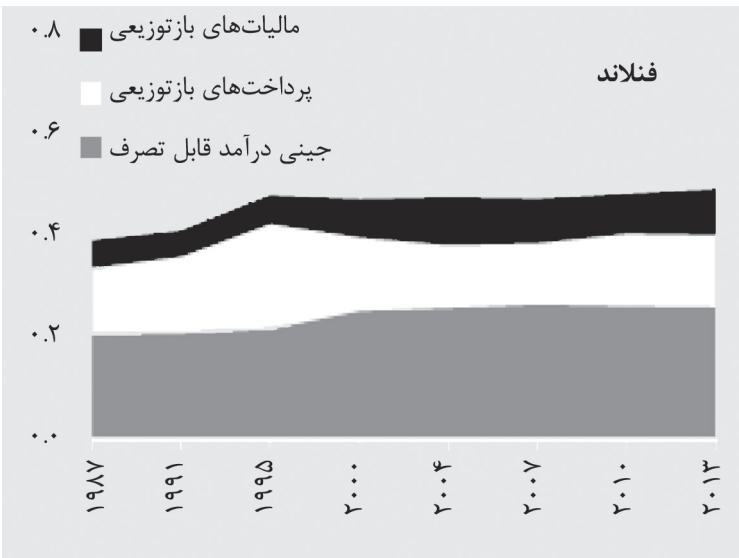
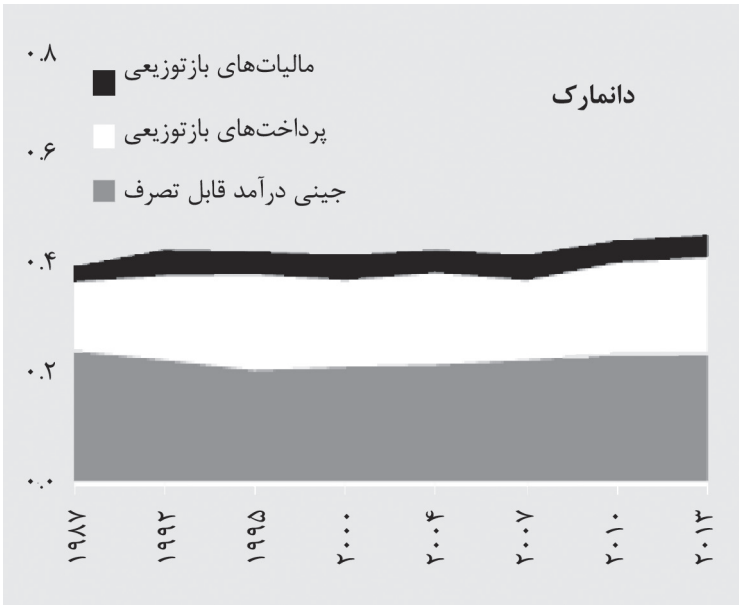
نتایج مربوط به هر کشور نیز در جدول (۱) ارائه شده‌اند. نظام‌های مالیات-مزایا در ایرلند، آلمان، سوئد، فنلاند و دانمارک با کاهش شاخص جینی تا ۲۲.۵ واحد (یا حتی بیشتر) در حول و حوش سال ۲۰۱۳، به بیشترین میزان کاهش در نابرابری دست یافته‌اند. کمترین اثر بازتوزیعی در تایوان، رژیم اشغالگر قدس، سوئیس، ایالات متحده و استرالیا (کمتر از ۱۵ واحد) مشاهده شده است.

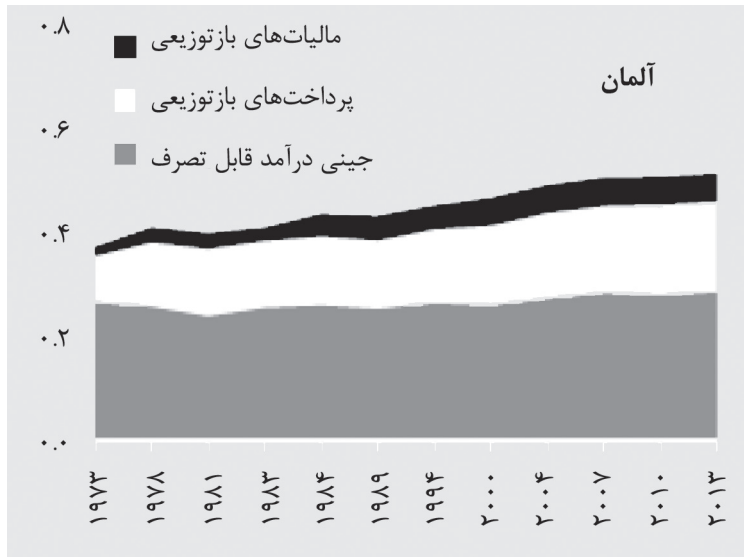
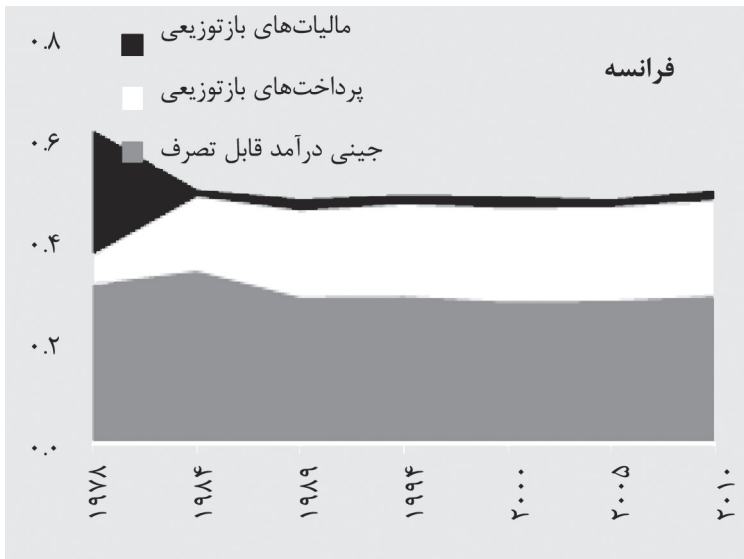
نابرابری در درآمد قابل تصرف، در کل این دوره، در فنلاند و رژیم اشغالگر قدس به‌طور چشمگیری افزایش و در فرانسه، ایرلند، سوئیس و دانمارک کاهش یافت. طی دوره ۱۹۹۷-۱۹۸۵، نابرابری بیشتر در درآمد قابل تصرف عمدتاً «نتیجه» نابرابری در درآمد اولیه بود (اگرچه نابرابری درآمد اولیه در سوئد و رژیم اشغالگر قدس کاهش یافت). طی همین دوره، بازتوزیع دولتی شکاف‌های

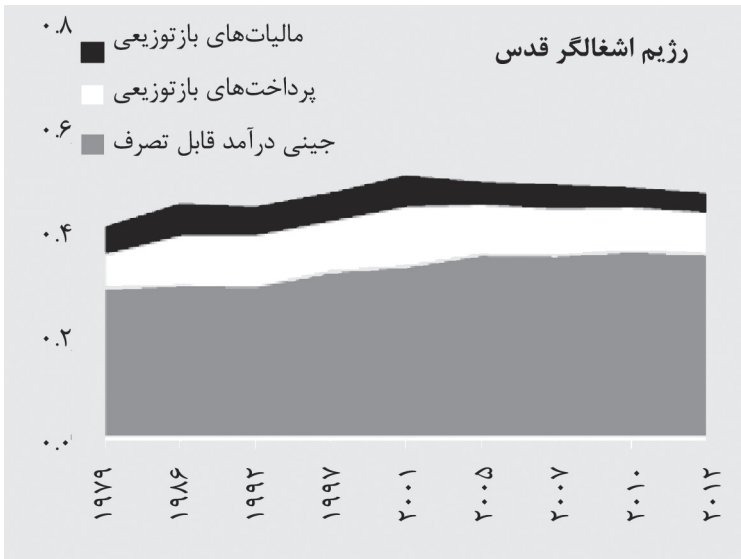
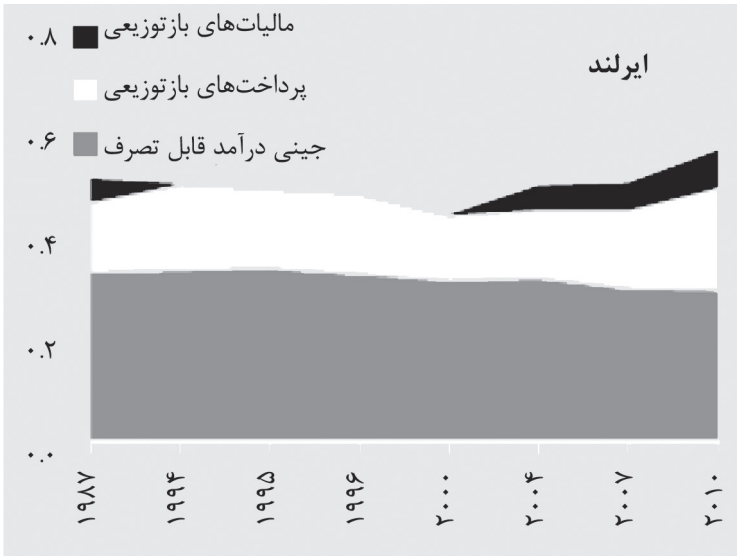
در حال گسترش درآمدی را از طریق پرداخت‌های نقدی عمومی و مالیات‌های خانوار چه به‌طور کامل (مثلاً در دانمارک، فرانسه، ایرلند، هلند و سوئیس) و چه جزئی (در سایر کشورهای مورد بررسی؛ به شکل ۱ مراجعه کنید) جبران کرده است. نابرابری در درآمد قابل تصرف به‌طور متوسط در بین کشورها تغییر اندکی (+۰۱۰۰) داشته؛ تفاوت بین کشورها از اواسط دهه ۱۹۹۰ بیشتر شده؛ نابرابری در درآمد اولیه تقریباً در تمامی کشورها (به استثنای سوئد و رژیم اشغالگر قدس) افزایش یافته که این افزایش در ایرلند، آلمان، هلند و سوئیس چشمگیر بوده و نابرابری در درآمد قابل تصرف در تمامی کشورها جز ایرلند و انگلستان افزایش پیدا کرده است. نتیجه نهایی اینکه به‌طور متوسط تنها ۳۷ درصد از این افزایش در نابرابری درآمدی با بازتوزیع از طریق مالیات‌ها و پرداخت‌ها در دوره ۱۹۹۷-۲۰۱۳ جبران شده است (در مقایسه با میزان ۹۳ درصدی دوره ۱۹۹۷-۱۹۸۵).

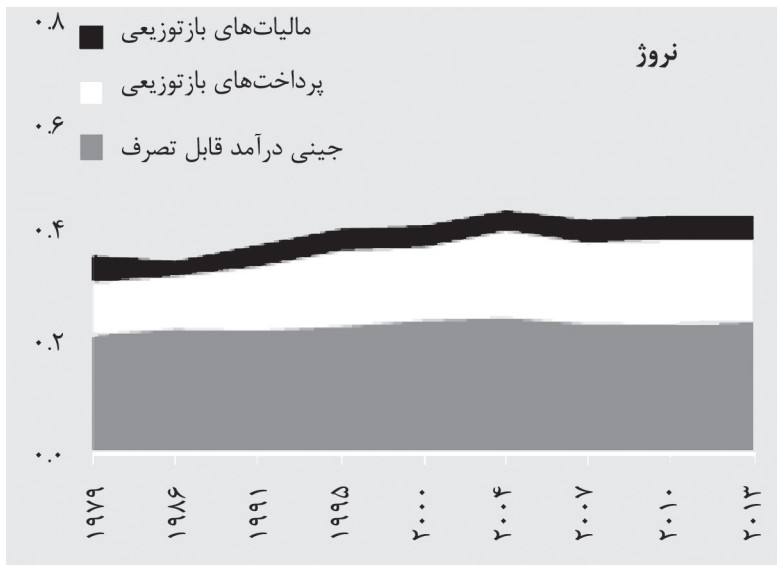
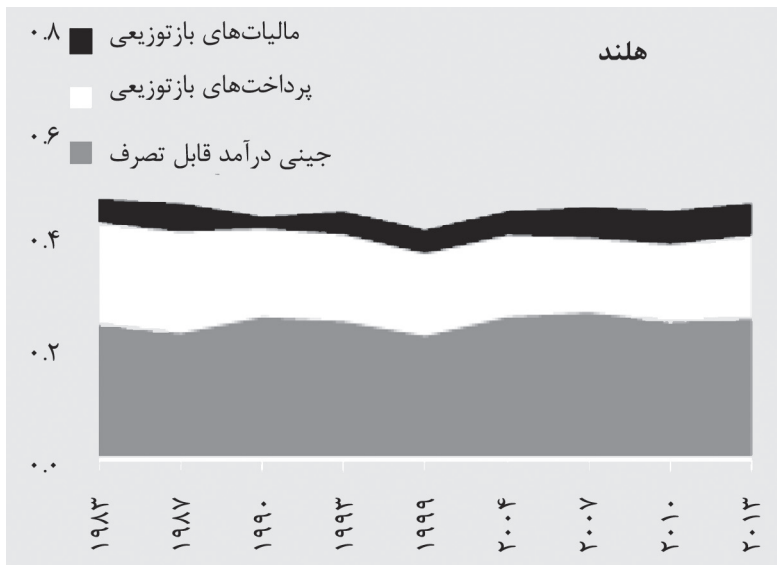
شکل ۱. روندهای نابرابری درآمدی و بازتوزیع مالی در ۱۵ کشور LIS

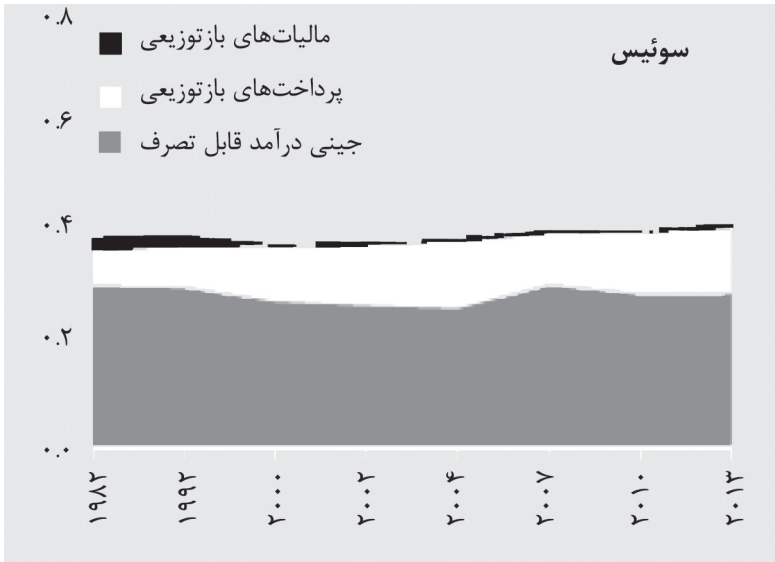
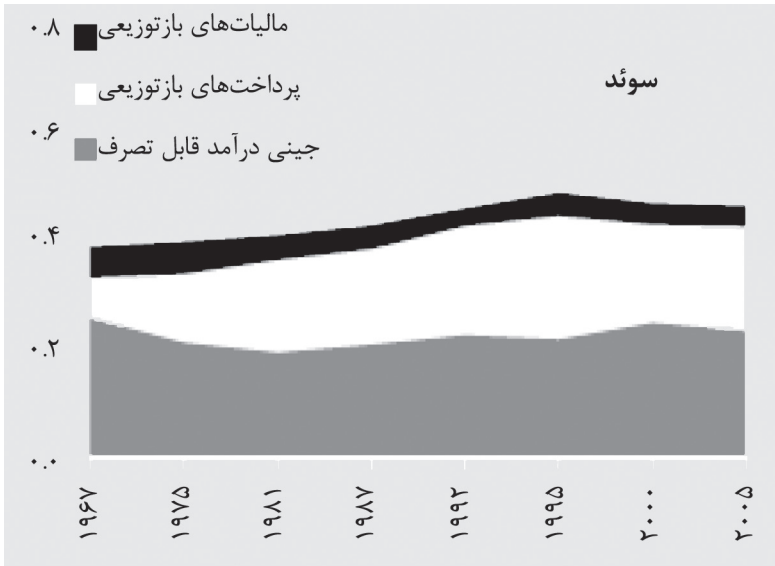


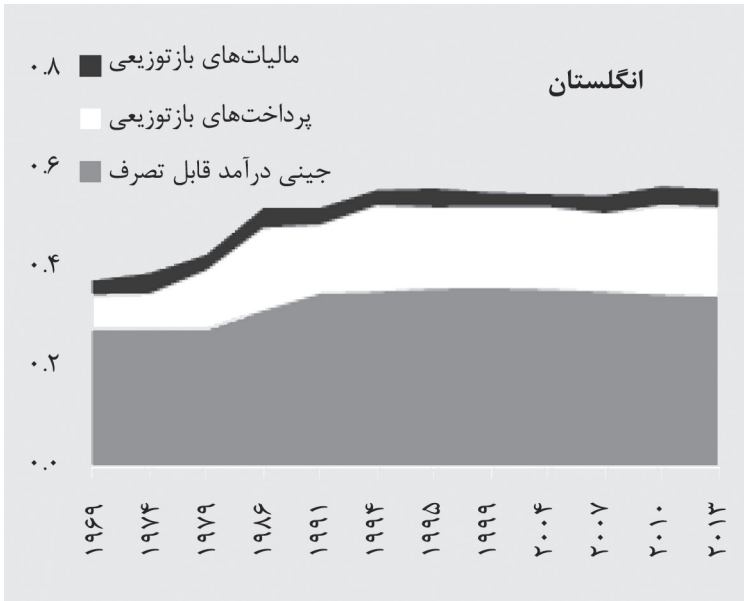
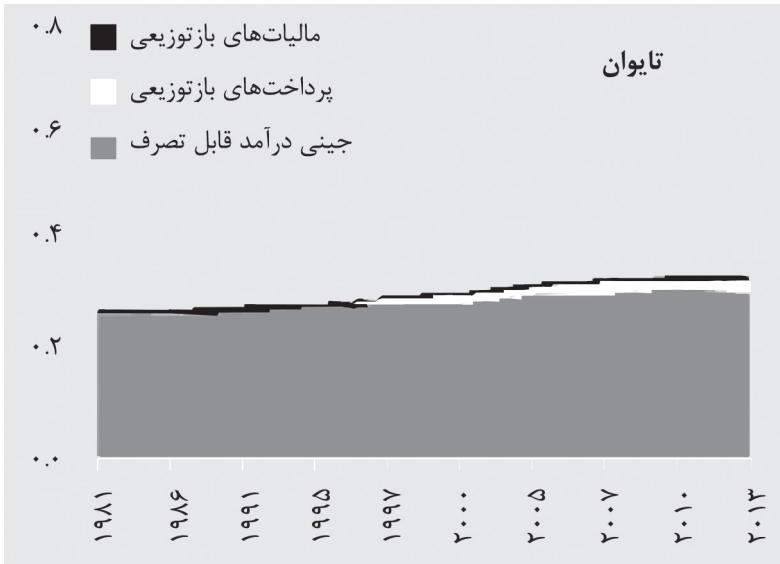


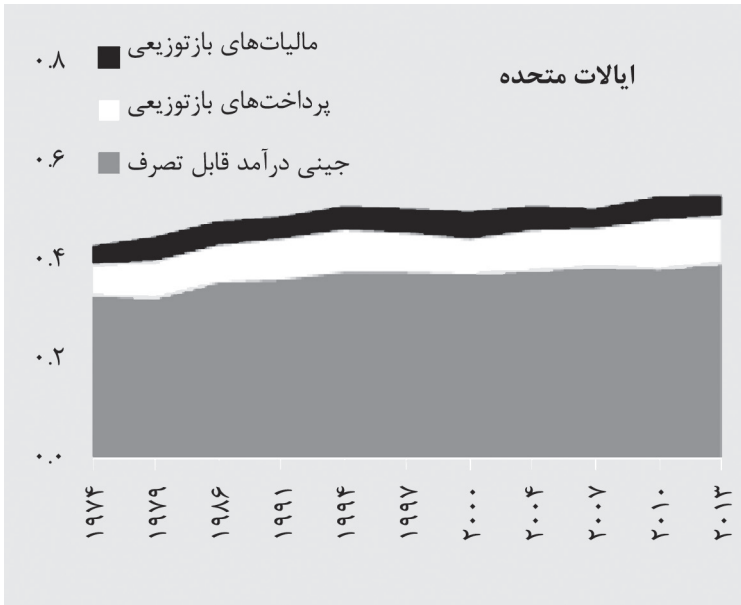












منبع: پایگاه داده وانگ و کامینادا (۲۰۱۷) بر اساس LIS

جدول ۱. روند شاخص‌های جینی درآمد اولیه و درآمد قابل تصرف و بازتوزیع مالی؛ ۱۳-۲۰۱۳ تا ۲۰۱۳-۱۹۸۲

الف. کل جمعیت	بازتوزیع مالی						جینی درآمد قابل تصرف						جینی درآمد اولیه					
	%	تغییر ۸۵-۱۳	حدود ۲۰۱۳	حدود ۱۹۹۷	حدود ۱۹۸۵	%	تغییر ۸۵-۱۳	حدود ۲۰۱۳	حدود ۱۹۹۷	حدود ۱۹۸۵	%	تغییر ۱۳-۸۵	حدود ۲۰۱۳	حدود ۱۹۹۷	حدود ۱۹۸۵			
استرالیا (۱۰-۹۵-۸۵)	۳	۰.۰۰۰۴	۰.۱۴۷	۰.۱۶۶	۰.۱۴۳	۱۳	۰.۳۲۹	۰.۳۳۰	۰.۳۰۸	۰.۲۹۲	۱۰	۰.۰۴۳	۰.۴۷۷	۰.۴۷۴	۰.۴۳۴			
کانادا (۱۰-۹۷-۸۷)	۳۳	۰.۰۰۴۰	۰.۱۶۴	۰.۱۵۸	۰.۱۳۴	۱۲	۰.۰۳۴	۰.۳۱۷	۰.۲۹۱	۰.۲۸۳	۱۸	۰.۰۷۴	۰.۴۸۱	۰.۴۵۰	۰.۴۰۷			
دانمارک (۱۳-۹۵-۸۷)	۴۱	۰.۰۰۶۵	۰.۲۲۶	۰.۲۲۷	۰.۱۶۱	-۲	-۰.۰۰۰۵	۰.۲۴۹	۰.۲۱۸	۰.۲۵۵	۱۴	۰.۰۶۰	۰.۴۷۶	۰.۴۴۴	۰.۴۱۶			
فنلاند (۱۳-۹۵-۸۷)	۲۶	۰.۰۰۴۷	۰.۲۲۸	۰.۲۵۹	۰.۱۸۱	۲۵	۰.۰۵۲	۰.۲۵۹	۰.۲۱۶	۰.۲۰۷	۲۶	۰.۰۹۹	۰.۴۸۷	۰.۴۷۵	۰.۳۸۱			
فرانسه (۱۰-۹۴-۸۴)	۳۰	۰.۰۰۴۷	۰.۲۰۴	۰.۱۹۷	۰.۱۵۸	-۱۴	-۰.۰۴۹	۰.۲۱۹	۰.۲۸۱	۰.۳۳۸	۰	-۰.۰۰۰۲	۰.۴۹۴	۰.۴۸۱۶	۰.۴۹۶			
آلمان (۱۳-۹۴-۸۴)	۳۰	۰.۰۰۵۲	۰.۲۲۹	۰.۱۸۸	۰.۱۷۷	۱۰	۰.۰۲۶	۰.۲۹۱	۰.۲۷۰	۰.۲۶۵	۱۸	۰.۰۷۹	۰.۵۲۰	۰.۴۵۸	۰.۴۴۲			
ایرلند (۱۰-۹۶-۸۷)	۴۹	۰.۰۰۸۹	۰.۳۷۰	۰.۱۵۶	۰.۱۸۱	-۱۰	-۰.۰۳۴	۰.۲۹۴	۰.۳۳۵	۰.۳۲۸	۱۱	۰.۰۵۵	۰.۵۶۴	۰.۴۸۱	۰.۵۱۰			
رتبه اشتغالگر قدس (۱۲-۹۷-۸۶)	-۲۶	-۰.۰۰۴۲	۰.۱۳۳	۰.۱۵۹	۰.۱۶۵	۲۰	۰.۰۶۳	۰.۳۸۱	۰.۳۳۶	۰.۳۰۹	۴	۰.۰۲۱	۰.۴۹۴	۰.۴۹۵	۰.۴۳۳			

بازتوزیع مالی					جنبی درآمد تصرف					جنبی درآمد اولیه				
%	تغییر	حدود	حدود	حدود	%	تغییر	حدود	حدود	حدود	%	تغییر	حدود	حدود	حدود
	۸۵-۱۳	۲۰۱۳	۱۹۹۷	۱۹۸۵		۸۵-۱۳	۲۰۱۳	۱۹۹۷	۱۹۸۵		۱۳-۸۵	۲۰۱۳	۱۹۹۷	۱۹۸۵
-۸	-۰.۰۱۹	۰.۲۱۲	۰.۱۹۶	۰.۲۳۱	۵	۰.۰۱۱	۰.۲۶۴	۰.۲۳۱	۰.۲۵۲	-۲	-۰.۰۰۸	۰.۴۷۵	۰.۴۲۶	۰.۴۸۳
-۵۵	۰.۰۷۰	۰.۱۹۸	۰.۱۸۳	۰.۱۲۸	۶	۰.۰۱۵	۰.۳۴۸	۰.۳۳۹	۰.۳۳۴	۳۳	۰.۰۸۵	۰.۴۴۶	۰.۴۲۲	۰.۳۶۲
۵	۰.۰۱۱	۰.۳۲۹	۰.۲۶۸	۰.۲۱۸	۱۲	۰.۰۲۵	۰.۳۳۷	۰.۳۲۱	۰.۳۱۲	۸	۰.۰۳۶	۰.۴۶۶	۰.۴۹۰	۰.۴۲۹
۴۶	۰.۰۴۱	۰.۱۳۰	۰.۱۰۵	۰.۰۸۹	-۵	-۰.۰۱۴	۰.۲۹۵	۰.۲۸۰	۰.۳۰۹	۷	۰.۰۲۷	۰.۴۲۵	۰.۲۸۵	۰.۳۹۸
۲۸۵	۰.۰۱۹	۰.۰۲۵	۰.۰۱۲	۰.۰۰۷	۱۵	۰.۰۳۹	۰.۳۰۸	۰.۲۸۷	۰.۲۶۹	۲۱	۰.۰۵۸	۰.۳۳۳	۰.۳۰۰	۰.۲۷۵
۵	۰.۰۱۰	۰.۲۰۷	۰.۱۸۴	۰.۱۹۶	۹	۰.۰۲۷	۰.۳۳۰	۰.۳۴۶	۰.۳۰۳	۷	۰.۰۳۷	۰.۵۳۷	۰.۵۳۰	۰.۵۰۰
۱۲	۰.۰۱۴	۰.۱۳۲	۰.۱۱۳	۰.۱۱۸	۱۱	۰.۰۳۷	۰.۳۷۷	۰.۳۶۰	۰.۳۴۰	۱۱	۰.۰۵۰	۰.۵۰۹	۰.۴۸۳	۰.۴۹۵
۲۰	۰.۰۳۰	۰.۱۸۲	۰.۱۷۲	۰.۱۵۲	۶	۰.۰۱۸	۰.۲۹۷	۰.۲۸۱	۰.۲۸۰	۱۱	۰.۰۴۸	۰.۴۷۹	۰.۴۵۳	۰.۴۳۱

انگلستان (۸۶-۹۹-۱۳)
ایالات متحده (۸۶-۹۷-۱۳)
میانگین ۱۵ کشور

ادامه جدول ۱. روند شاخص‌های جینی درآمد اولیه و درآمد قابل تصرف و بازتوزیع مالی؛ ۲۰۱۳-۲۰۱۲-۱۹۸۲

ب. جمعیت در سن اشتغال

بازتوزیع مالی				جینی درآمد قابل تصرف				جینی درآمد اولیه				کشور
%	تغییر ۸۵-۱۳	حدود ۲۰۱۳	حدود ۱۹۹۷	%	تغییر ۸۵-۱۳	حدود ۲۰۱۳	حدود ۱۹۹۷	%	تغییر ۸۵-۱۳	حدود ۲۰۱۳	حدود ۱۹۹۷	
-۸	-۰.۰۰۹	۰.۱۰۲	۰.۱۱۱	۱۲	۰.۰۳۴	۰.۳۱۳	۰.۲۹۹	۶	۰.۰۲۵	۰.۴۱۴	۰.۴۲۲	استرالیا (۸۵-۹۵-۱۰)
۲۳	۰.۰۰۲	۰.۱۱	۰.۰۹	۱۵	۰.۰۴۲	۰.۳۲۲	۰.۲۹۳	۱۷	۰.۰۶۳	۰.۴۲۲	۰.۴۰۳	کانادا (۸۷-۹۷-۱۰)
۲۶	۰.۰۴۱	۰.۱۵۳	۰.۱۱۲	۵	۰.۰۱۲	۰.۲۵	۰.۲۰۹	۱۵	۰.۰۵۳	۰.۴۰۲	۰.۳۷۷	دانمارک (۸۷-۹۵-۱۳)
۶	۰.۰۰۹	۰.۱۴۸	۰.۱۳۹	۲۸	۰.۰۵۷	۰.۲۶	۰.۲۲	۱۹	۰.۰۶۶	۰.۴۰۸	۰.۴۳	فنلاند (۸۷-۹۵-۱۳)
۲۲	۰.۰۲۶	۰.۱۴۲	۰.۱۱۷	-۱۴	-۰.۰۴۷	۰.۲۹۴	۰.۲۹	-۵	-۰.۰۲۱	۰.۴۲۷	۰.۴۳	فرانسه (۸۴-۹۴-۱۰)
۱۵	۰.۰۰۱۶	۰.۱۲۳	۰.۱۰۷	۱۶	۰.۰۴۲	۰.۲۹۶	۰.۲۶۷	۱۶	۰.۰۵۸	۰.۴۱۹	۰.۳۷۷	آلمان (۸۴-۹۴-۱۳)
۴۲	۰.۰۶۷	۰.۲۲۴	۰.۱۲	-۱۵	-۰.۰۵۲	۰.۲۹۴	۰.۳۱۶	۳	۰.۰۱۴	۰.۵۱۷	۰.۴۲۶	ایرلند (۸۷-۹۶-۱۰)
-۲۸	-۰.۰۳۹	۰.۰۹۹	۰.۱۳۷	۱۹	۰.۰۵۷	۰.۲۵۹	۰.۳۳	۴	۰.۰۱۸	۰.۲۵۸	۰.۴۵۶	رژیم اشتغالگر قدس (۸۶-۹۷-۱۲)

بازتوزیع مالی				جینی درآمد قابل تصرف				جینی درآمد اولیه			
%	تغییر	حدود	حدود	%	تغییر	حدود	حدود	%	تغییر	حدود	حدود
	۸۵-۱۳	۲۰۱۳	۱۹۹۷		۸۵-۱۳	۲۰۱۳	۱۹۸۵		۸۵-۱۳	۲۰۱۳	۱۹۸۵
۳۰	۰.۰۵۹	۰.۱۳۴	۰.۱۳۹	۹	۰.۰۲۳	۰.۲۷۲	۰.۲۴۹	-۸	۰.۰۳۵	۰.۴۰۷	۰.۴۴۲
											هند (۸۳-۹۹-۱۳)
۹۰	۰.۰۶۳	۰.۱۳۳	۰.۱۱۴	۱۷	۰.۰۳۷	۰.۲۵۸	۰.۲۲۱	۳۵	۰.۰۱	۰.۳۴۸	۰.۳۹
											نروژ (۸۶-۹۵-۱۳)
۱۶	۰.۰۲۱	۰.۱۵۶	۰.۱۸۱	۹	۰.۰۲	۰.۲۳۵	۰.۲۱۵	۱۲	۰.۰۴۱	۰.۳۹۱	۰.۲۵
											سوئد (۸۷-۹۵-۰۵)
۷۱	۰.۰۲۵	۰.۰۶۱	۰.۰۴۸	-۶	-۰.۰۱۹	۰.۲۸۵	۰.۲۷۹	۲	۰.۰۰۶	۰.۳۴۶	۰.۳۴
											سوئیس (۸۲-۰۰-۱۳)
۸۳	۰.۰۰۵	۰.۰۱۲	۰.۰۰۵	۱۰	۰.۰۲۶	۰.۳۹۶	۰.۳۷	۱۱	۰.۰۳۲	۰.۳۰۸	۰.۲۷۶
											تایوان (۸۶-۹۷-۱۳)
-۸	-۰.۰۱۱	۰.۱۱۴	۰.۱۱۸	۱۲	۰.۰۳۶	۰.۳۵۵	۰.۲۹۹	۶	۰.۰۱۶	۰.۴۵۹	۰.۴۳۴
											انگلستان (۸۶-۹۹-۱۳)
۷	۰.۰۰۶	۰.۰۰۹	۰.۰۸۳	۱۴	۰.۰۴۵	۰.۳۷۴	۰.۳۲۹	۱۲	۰.۰۵۱	۰.۲۶۴	۰.۴۱۳
											ایالات متحده (۸۶-۹۷-۱۳)
۱۱	۰.۰۱۲	۰.۱۲۱	۰.۱۱۹	۸	۰.۰۲۱	۰.۲۹۶	۰.۲۷۵	۹	۰.۰۴۳	۰.۴۱۷	۰.۳۹۸
											میانگین- ۱۵ کشور

توضیحات: ایرلند ۱۹۹۶؛ داده‌های درآمدی مربوط به خالص مالیات بر درآمد (به صورت ایتالیک مشخص شده است). ارقام این جدول سوئد را نیز شامل می‌شود، علی‌رغم اینکه آخرین داده‌های در دسترس آن مربوط به سال ۲۰۰۵ است.
منبع: پایگاه داده وانگ و کامینادا (۲۰۱۷) بر اساس LIS و محاسبات نویسندگان.

بازتوزیع مالی، در ۱۱ کشور از ۱۵ کشور طی دوره ۱۹۹۷-۱۹۸۵ و در ۹ کشور در دوره ۲۰۱۳-۱۹۹۷، افزایش یافته است. علاوه بر این، از سال ۱۹۸۳ بازتوزیع مالی تقریباً در تمامی کشورها به استثنای هلند و رژیم اشغالگر قدس افزایش پیدا کرده است.

جدول (۲) نتایج روندهای بازتوزیع میان جمعیت در سن اشتغال و کل جمعیت ۱۵ کشور را همراه با اطلاعات کامل در زمینه مالیات و مزایای پرداختی در سال‌های ۱۹۸۵، ۱۹۹۵ و ۲۰۱۳ نشان می‌دهد. چنانچه ملاحظه می‌شود، از میانه دهه ۱۹۸۰ و بار دیگر از میانه دهه ۱۹۹۰، بازتوزیع مالی به طور میانگین در این ۱۵ کشور افزایش یافته، که هم در مورد جمعیت در سن اشتغال و هم کل جمعیت صدق می‌کند. این یافته عکس نتایج به دست آمده توسط کازا و هرمانسن (۲۰۱۷) است که معتقد بودند بازتوزیع از طریق مالیات‌ها و پرداخت‌ها در کشورهای OECD طی دو دهه اخیر کاهش یافته است. مطالعات ما همچنین نشان می‌دهند که نظام‌های پرداخت مزایا در کاهش نابرابری در میانه دهه ۲۰۰۰ کارآمدتر از میانه دهه ۱۹۹۰ هستند؛ هرچند این اختلاف در مورد جمعیت در سن اشتغال بسیار اندک است. بنابراین، نتایج مطالعات این ادعا که بازتوزیع کاسته شده محرک اصلی گسترش شکاف‌های درآمدی از میانه دهه ۱۹۹۰ است، را مبالغه‌آمیز می‌داند. به علاوه، جدول (۲) نشان می‌دهد سهم افزایش در نابرابری درآمد اولیه که از طریق بازتوزیع مالی جبران شده از میانه دهه ۱۹۹۰، هم در کل جمعیت و هم در میان جمعیت در سن اشتغال کاهش یافته است.

جدول ۲. روندهای بازتوزیع مالی در میان جمعیت در سن اشتغال و کل جمعیت، ۲۰۱۳-۱۹۸۲

جمعیت در سن اشتغال			کل جمعیت			
بازتوزیع مالی	جینی درآمد قابل تصرف	جینی درآمد اولیه	بازتوزیع مالی	جینی درآمد قابل تصرف	جینی درآمد اولیه	
۰.۱۰۹	۰.۲۷۵	۰.۳۸۴	۰.۱۵۲	۰.۲۸۰	۰.۴۳۱	حدود ۱۹۸۵
۰.۱۱۹	۰.۲۷۹	۰.۳۹۸	۰.۱۷۲	۰.۲۸۱	۰.۴۵۳	حدود ۱۹۹۷
۰.۱۲۱	۰.۲۹۶	۰.۴۱۷	۰.۱۸۲	۰.۲۹۷	۰.۴۷۹	حدود ۲۰۱۳
۰.۰۱۲	۰.۰۲۱	۰.۰۳۳	۰.۰۳۰	۰.۰۱۸	۰.۰۴۸	تغییر از ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۳
۰.۰۱۰	۰.۰۰۴	۰.۰۱۴	۰.۰۲۰	۰.۰۰۲	۰.۰۲۲	تغییر از ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۷
۰.۰۰۲	۰.۰۱۷	۰.۰۱۹	۰.۰۱۰	۰.۰۱۶	۰.۰۲۶	تغییر از ۱۹۹۷ تا ۲۰۱۳

سهم جبران افزایش نابرابری در درآمد اولیه از طریق بازتوزیع مالی	سهم جبران افزایش نابرابری در درآمد اولیه از طریق بازتوزیع مالی	
٪۳۷	٪۶۳	۱۹۸۵-۲۰۱۳
٪۷۳	٪۹۳	۱۹۸۵-۱۹۹۷
٪۱۰	٪۳۷	۱۹۹۷-۲۰۱۳

توضیحات: کشورهای منتخب: استرالیا، کانادا، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، ایرلند، رژیم اشغالگر قدس، هلند، نروژ، سوئد، سوئیس، تایوان، انگلستان و ایالات متحده.
منبع: پایگاه داده وانگ و کامینادا (۲۰۱۷) بر اساس LIS و محاسبات نویسندگان.

اثر بازتوزیعی مالیات‌ها و پرداخت‌ها ۲۰۱۳-۱۹۸۲

جدول (۳) نشان می‌دهد که بخش عمده‌ای از روند کلی بازتوزیع ناشی از پرداخت‌های اجتماعی است. از میانه دهه ۱۹۸۰ تا میانه دهه ۱۹۹۰، قدرتمندی اثر بازتوزیعی پرداخت‌ها سبب افزایش مجموع کل بازتوزیع شد. در طول سال‌های بین میانه دهه ۱۹۹۰ تا حول و حوش سال ۲۰۱۳، تغییر محسوسی در بازتوزیع کل مشاهده نمی‌شود. متوسط مجموع بازتوزیع در ۱۵ کشور LIS از حول و حوش سال ۱۹۸۵ تا ۲۰۱۳ به میزان ۰.۰۳۰ واحد افزایش یافت.

شکل (۱) روندهای بازتوزیعی کلی ناشی از مالیات و پرداخت‌های اجتماعی را در ۱۵ کشور LIS نشان می‌دهد. از میانه دهه ۱۹۸۰ تا حدود سال ۲۰۱۳، بازتوزیع کل در تمامی کشورها به جز هلند و رژیم اشغالگر قدس افزایش یافت؛ که اصلی‌ترین محرک آن بازتوزیع پرداخت‌های اجتماعی اضافی بود. نظام‌های مالیاتی در هفت کشور از ۱۵ کشور از نقش کم‌تری در بازتوزیع برخوردار بودند: استرالیا، رژیم اشغالگر قدس، سوئد، سوئیس، تایوان، بریتانیا و ایالات متحده. الگوهای بازتوزیع، در این بازه زمانی، بین کشورها از تنوع بسیاری برخوردارند، چه در بازتوزیع کل و چه در بازتوزیع به تفکیک پرداخت‌های اجتماعی و مالیات‌ها. در طول این دوره، کل بازتوزیع در تمامی کشورها (به استثنای ایرلند) به ندرت تغییر کرده یا کاهش یافته است.

نابرابری و بازتوزیع مالی پیش و پس از رکود بزرگ

در این بخش اثر بحران اقتصادی، که در سال ۲۰۰۸ آغاز شد، بر توزیع درآمد و بازتوزیع مالی بررسی می‌شود. در مجموع ۲۳ کشور که اطلاعات کامل آنها در زمینه درآمد‌ها و مالیات‌ها در سال‌های پیش از رکود بزرگ (حدود سال‌های ۲۰۰۶-۲۰۰۷)، سال ۲۰۱۲ و پس از آن وجود دارد، انتخاب شدند. همان‌طور که در جدول (۴) نشان داده شده، نابرابری درآمد اولیه از حدود سال ۲۰۰۷ در تمامی کشورها، به استثنای گواتمالا، رژیم اشغالگر قدس، پرو، لهستان و اسلواکی، افزایش یافته است. اما، شاخص جینی برای درآمد قابل تصرف در تعداد زیادی از این کشورها، به‌طور متوسط ۱ درصد، کاهش یافته است. بیشترین کاهش در نابرابری درآمد قابل تصرف (۱۷ درصد) در گواتمالا اتفاق افتاده است. در مقابل، استونی و اسپانیا کشورهایی هستند که بیشترین افزایش در نابرابری درآمد قابل تصرف را تجربه کرده‌اند. یافته‌های ما این موضوع را که بازتوزیع مالی از زمان رکود بزرگ کمتر موثر بوده است را تأیید نمی‌کنند. برعکس، افزایش

در بازتوزیع مالی روند افزایشی نابرابری درآمد اولیه را جبران کرده و به توزیع عادلانه‌تر توزیع درآمد قابل تصرف منجر شده است.

جدول ۳. بازتوزیع در میان ۱۵ کشور LIS، ۲۰۱۳-۱۹۸۲

تأثیرات جزئی: تغییرات ۱۹۸۵-۲۰۱۳		بازتوزیع مالی				
ناشی از مالیات‌ها	ناشی از پرداخت‌ها	تغییر ۱۹۸۵-۲۰۱۳	حدود ۲۰۱۳	حدود ۱۹۹۷	حدود ۱۹۸۵	
۰.۰۱۷	۰.۰۲۱	۰.۰۰۴	۰.۱۴۷	۰.۱۶۶	۰.۱۴۳	استرالیا (۸۵-۹۵-۱۰)
۰.۰۰۲	۰.۰۳۸	۰.۰۴۰	۰.۱۶۴	۰.۱۵۸	۰.۱۲۴	کانادا (۸۷-۹۷-۱۰)
۰.۰۱۳	۰.۰۵۳	۰.۰۶۵	۰.۲۲۶	۰.۲۲۷	۰.۱۶۱	دانمارک (۸۷-۹۵-۱۳)
۰.۰۳۶	۰.۰۱۲	۰.۰۴۷	۰.۲۲۸	۰.۲۵۹	۰.۱۸۱	فنلاند (۸۷-۹۵-۱۳)
۰.۰۰۵	۰.۰۴۲	۰.۰۴۷	۰.۲۰۴	۰.۱۹۷	۰.۱۵۸	فرانسه (۸۴-۹۴-۱۰)
۰.۰۱۱	۰.۰۴۱	۰.۰۵۲	۰.۲۲۹	۰.۱۸۸	۰.۱۷۷	آلمان (۸۴-۹۴-۱۳)
۰.۰۲۷	۰.۰۶۲	۰.۰۸۹	۰.۲۷۰	۰.۱۵۶	۰.۱۸۱	ایرلند (۸۷-۹۶-۱۰)
-۰.۰۲۶	-۰.۰۱۶	-۰.۰۴۲	۰.۱۲۳	۰.۱۵۹	۰.۱۶۵	رژیم اشغالگر قدس (۸۶-۹۷-۱۲)
۰.۰۱۶	-۰.۰۳۵	-۰.۰۱۹	۰.۲۱۲	۰.۱۹۶	۰.۲۳۱	هلند (۸۳-۹۹-۱۳)
۰.۰۱۶	۰.۰۵۴	۰.۰۷۰	۰.۱۹۸	۰.۱۸۳	۰.۱۲۸	نروژ (۸۶-۹۵-۱۳)
-۰.۰۰۵	۰.۰۱۶	۰.۰۱۱	۰.۲۳۹	۰.۲۶۸	۰.۲۱۸	سوئد (۸۷-۹۵-۰۵)
-۰.۰۱۶	۰.۰۵۷	۰.۰۴۱	۰.۱۳۰	۰.۱۰۵	۰.۰۸۹	سوئیس (۸۲-۰۰-۱۳)
-۰.۰۰۹	۰.۰۲۸	۰.۰۱۹	۰.۰۲۵	۰.۰۱۲	۰.۰۰۷	تایوان (چین) (۸۶-۹۷-۱۳)
-۰.۰۰۳	۰.۰۱۳	۰.۰۱۰	۰.۲۰۷	۰.۱۸۴	۰.۱۹۶	انگلستان (۸۶-۹۹-۱۳)
-۰.۰۰۵	۰.۰۱۹	۰.۰۱۴	۰.۱۳۲	۰.۱۲۳	۰.۱۱۸	ایالات متحده (۸۶-۹۷-۱۳)
۰.۰۰۳	۰.۰۲۷	۰.۰۳۰	۰.۱۸۲	۰.۱۷۲	۰.۱۵۲	میانگین ۱۵ کشور

منبع: پایگاه داده وانگ و کامینادا (۲۰۱۷) بر اساس پایگاه داده LIS و محاسبات نویسنندگان.

جدول ۴. روند شاخص‌های جینی درآمد اولیه و درآمد قابل تصرف و بازتوزیع مالی، ۲۰۱۴-۲۰۰۶

بازتوزیع مالی				جینی درآمد قابل تصرف			جینی درآمد اولیه				
قبل از بحران	بعد از بحران	تغییر ۱۳-۰۷	%	قبل از بحران	بعد از بحران	تغییر ۱۳-۰۷	%	قبل از بحران	بعد از بحران	تغییر ۱۳-۰۷	
۰.۲۰۱	۰.۲۱۵	۰.۰۱۴	۷	۰.۲۷۹	۰.۲۸۴	-۰.۰۰۵	-۲	۰.۴۸۵	۰.۴۹۳	-۰.۰۰۹	اتریش (۲۰۰۷-۲۰۱۳)
۰.۰۷۱	۰.۰۹۳	۰.۰۲۱	۳۰	۰.۴۵۰	۰.۴۸۷	-۰.۰۳۷	-۸	۰.۵۵۸	۰.۵۴۲	-۰.۰۱۶	برزیل (۲۰۰۶-۲۰۱۳)
۰.۱۹۵	۰.۱۹۹	۰.۰۰۴	۲	۰.۲۵۸	۰.۲۵۱	۰.۰۰۷	۳	۰.۴۴۶	۰.۴۵۷	-۰.۰۱۱	جمهوری چک (۲۰۰۷-۲۰۱۳)
۰.۲۰۰	۰.۲۲۶	۰.۰۲۷	۱۳	۰.۲۴۹	۰.۲۳۸	۰.۰۱۱	۵	۰.۴۳۸	۰.۴۷۶	-۰.۰۳۸	دانمارک (۲۰۰۷-۲۰۱۳)
۰.۱۸۱	۰.۱۸۱	۰.۰۰۷	۴	۰.۳۵۲	۰.۳۱۲	۰.۰۴۰	۱۳	۰.۴۹۳	۰.۵۴۰	-۰.۰۴۷	استونی (۲۰۰۷-۲۰۱۳)
۰.۲۰۵	۰.۲۲۸	۰.۰۲۳	۱۱	۰.۲۵۹	۰.۲۶۴	-۰.۰۰۵	-۲	۰.۴۶۹	۰.۴۸۷	-۰.۰۱۸	فنلاند (۲۰۰۷-۲۰۱۳)
۰.۲۳۳	۰.۲۲۹	۰.۰۰۶	۳	۰.۲۹۱	۰.۲۸۹	۰.۰۰۲	۱	۰.۵۱۲	۰.۵۲۰	-۰.۰۰۸	آلمان (۲۰۰۷-۲۰۱۳)
۰.۱۹۵	۰.۲۲۵	۰.۰۴۰	۲۰	۰.۳۳۲	۰.۳۲۰	۰.۰۱۲	۴	۰.۵۱۵	۰.۵۶۷	-۰.۰۵۲	یونان (۲۰۰۷-۲۰۱۳)
۰.۰۱۸	۰.۰۳۴	۰.۰۱۶	۸۵	۰.۳۹۴	۰.۴۷۲	-۰.۰۷۸	-۱۷	۰.۴۹۰	۰.۴۲۷	-۰.۰۶۳	گواتمالا (۲۰۰۶-۲۰۱۴)
۰.۱۴۳	۰.۱۲۳	-۰.۰۲۰	-۱۴	۰.۳۷۱	۰.۳۶۹	۰.۰۰۳	۱	۰.۵۱۲	۰.۴۹۴	-۰.۰۱۸	رژیم اشغالگر قدس (۲۰۰۷-۲۰۱۲)
۰.۰۲۵	۰.۰۳۱	۰.۰۰۶	۲۶	۰.۳۰۶	۰.۳۰۵	۰.۰۰۱	۰	۰.۳۳۰	۰.۳۳۷	-۰.۰۰۷	جمهوری کره (۲۰۰۶-۲۰۱۲)
۰.۱۸۰	۰.۱۹۲	۰.۰۱۲	۷	۰.۲۸۳	۰.۲۷۶	۰.۰۰۷	۳	۰.۴۵۶	۰.۴۷۵	-۰.۰۲۰	لوکزامبورگ (۲۰۰۷-۲۰۱۳)

بازتوزیع مالی				جینی درآمد قابل تصرف			جینی درآمد اولیه					
%	تغییر		قبل از بحران	%	تغییر		قبل از بحران	%	تغییر			
	۱۳-۰۷	بعد از بحران			۱۳-۰۷	بعد از بحران			۱۳-۰۷	بعد از بحران		
۹	۰.۰۱۸	۰.۲۱۲	۰.۱۹۴	-۴	-۰.۰۱۱	۰.۲۶۴	۰.۲۷۴	۲	۰.۰۰۷	۰.۴۷۵	۰.۴۶۸	هلند (۲۰۰۷-۲۰۱۳)
۱	۰.۰۰۳	۰.۱۹۸	۰.۱۹۵	۲	۰.۰۰۵	۰.۲۴۸	۰.۲۴۴	۲	۰.۰۰۸	۰.۴۴۶	۰.۴۳۹	نروژ (۲۰۰۷-۲۰۱۳)
۳۷	۰.۰۱۳	۰.۰۴۸	۰.۰۳۵	-۳	-۰.۰۱۴	۰.۴۶۷	۰.۴۸۱	۰	-۰.۰۰۱	۰.۵۱۴	۰.۵۱۶	پاناما (۲۰۰۷-۲۰۱۳)
۱۸	۰.۰۰۴	۰.۰۲۸	۰.۰۲۴	-۹	-۰.۰۴۵	۰.۴۵۵	۰.۵۰۰	-۸	-۰.۰۴۱	۰.۴۸۳	۰.۵۲۴	پرو (۲۰۰۷-۲۰۱۳)
-۷	-۰.۰۱۲	۰.۱۶۸	۰.۱۸۰	۲	۰.۰۰۶	۰.۳۱۶	۰.۳۱۰	-۱	-۰.۰۰۶	۰.۴۸۴	۰.۴۹۰	لهستان (۲۰۰۷-۲۰۱۳)
-۳۹	-۰.۰۹۹	۰.۱۵۷	۰.۲۵۵	۸	۰.۰۲۱	۰.۲۶۸	۰.۲۴۸	-۱۶	-۰.۰۷۸	۰.۴۲۵	۰.۵۰۳	اسلوواکی (۲۰۰۷-۲۰۱۳)
۶	۰.۰۰۹	۰.۱۷۷	۰.۱۶۸	۱۲	۰.۰۳۷	۰.۳۴۳	۰.۳۰۷	۱۰	۰.۰۴۶	۰.۵۲۰	۰.۴۷۵	اسپانیا (۲۰۰۷-۲۰۱۳)
۳۱	۰.۰۳۱	۰.۱۳۰	۰.۰۹۹	-۵	-۰.۰۱۶	۰.۲۹۵	۰.۳۱۱	۴	۰.۰۱۵	۰.۴۲۵	۰.۴۱۰	سوئیس (۲۰۰۷-۲۰۱۳)
۱۵	۰.۰۰۳	۰.۰۲۵	۰.۰۲۲	۰	۰.۰۰۱	۰.۳۰۸	۰.۳۰۷	۱	۰.۰۰۴	۰.۳۳۳	۰.۳۲۹	تایوان (۲۰۰۷-۲۰۱۳)
۱۱	۰.۰۲۱	۰.۲۰۷	۰.۱۸۶	-۳	۰.۰۰۹	۰.۳۳۰	۰.۳۳۹	۲	۰.۰۱۲	۰.۵۳۷	۰.۵۲۴	انگلستان (۲۰۰۷-۲۰۱۳)
۱۸	۰.۰۲۰	۰.۱۳۲	۰.۱۱۱	۲	۰.۰۰۶	۰.۲۷۷	۰.۲۷۱	۶	۰.۰۲۷	۰.۵۰۹	۰.۴۸۳	ایالات متحده (۲۰۰۷-۲۰۱۳)
۵	۰.۰۰۷	۰.۱۵۱	۰.۱۴۴	-۱	-۰.۰۰۳	۰.۳۲۶	۰.۳۲۹	۱	۰.۰۰۵	۰.۴۷۷	۰.۴۷۲	میانگین ۲۳ کشور

منبع: پایگاه داده وانگ و کامینادا (۲۰۱۷) بر اساس پایگاه داده LIS و محاسبات نویسندگان

به‌طور متوسط، از زمان رکود بزرگ، نابرابری درآمدی اندکی کاهش یافته و بازتوزیع مالی افزایش پیدا کرده است. این افزایش در بازتوزیع مالی عمدتاً از پرداخت‌های اجتماعی نشأت می‌گیرد، درحالی‌که اثر بازتوزیعی مالیات‌های بر درآمد همواره در حال کاهش بوده است. اگرچه کل این تغییرات چندان قابل توجه نیستند، اما یافته‌های ما با مطالعه اخیر OECD (کوزا و هرمانسن^۱، ۲۰۱۷)، که معتقد است بهبود وضعیت اقتصادی نابرابری درآمدی را به دلیل کاهش بازتوزیع در اغلب کشورها کاهش نداده، همخوانی کامل ندارد. با این حال، هم OECD و هم پژوهش حاضر تأیید می‌کنند که بازتوزیع مالی از سال ۲۰۰۷ افزایش در نابرابری درآمدی را تا حدودی تعدیل کرده است؛ اگرچه تفاوت‌های زیادی بین کشورها وجود دارد.

مقیاس برنامه و هدف‌گذاری پرداخت‌ها

با توجه به اثرات بازتوزیعی برنامه‌های مزایای اجتماعی، می‌توان با استفاده از آزمون وسع^۲ بین مقیاس برنامه‌ها و حدود هدف‌گذاری مزایا به سمت گروه‌های کم‌درآمد، تمایز قائل شد. داده‌های خرد LIS امکان محاسبه سنج‌های ارزش متوسط پرداخت‌های اجتماعی به‌صورت درصدی از درآمد ناخالص خانوارها، را فراهم می‌آورد: هر چه این ارزش بیشتر باشد، سهم درآمد کلی که از این پرداخت‌ها مشتق می‌شوند نیز بزرگ‌تر خواهد بود. همچنین می‌توان به شاخصی دم‌دستی از میزانی که پرداخت‌ها به‌سمت گروه‌های کم‌درآمد هدف‌گذاری می‌شوند، دست یافت. برای انجام این کار از «شاخص تمرکز» کاکوانی^۳ (۱۹۸۶) برای پرداخت‌ها استفاده می‌کنیم. این شاخص، اگر فقیرترین فرد تمام درآمد انتقالی را دریافت کند، مقدار -۰.۱ ، اگر همه سهمی برابر دریافت کنند صفر و اگر ثروتمندترین فرد

1. Causa and Hermansen
2. Means testing
3. Kakwani

تمام درآمد انتقالی را دریافت کند، مقدار $+0.1$ می‌گیرد (کُری و پالم، ۱۹۹۸ صفحه ۶۸۴). براین اساس، ارقام مربوط به مقیاس و کارایی هدف‌گذاری مزایای اجتماعی برای ۱۵ کشور LIS طی دوره زمانی ۲۰۱۳-۱۹۸۵ محاسبه شده‌اند که در جدول ۵ ملاحظه می‌شوند.

چنانچه ملاحظه می‌شود، تفاوت چشمگیری در ارقام مربوط به متوسط اندازه مزایای اجتماعی نسبت به درآمد کل خانوارها بین کشورها وجود دارد. در میانه دهه ۱۹۸۰، میزان پرداخت‌ها در بودجه پنج کشور (دانمارک، فرانسه، هلند، سوئد و انگلستان) به رقم بسیار بالایی ۲۰ درصد یا بیشتر رسید؛ درحالی‌که در کشورهای استرالیا، کانادا، رژیم اشغالگر قدس، نروژ، سوئیس، تایوان و ایالات متحده، این رقم پایین‌تر بود (کم‌تر از ۱۵ درصد). در حول و حوش سال ۲۰۱۳، تعداد بیشتری از کشورها میزان بالایی از بودجه خود (۲۰ درصد یا بیشتر) را صرف پرداخت‌ها کردند؛ با این حال، این رقم در کشورهای استرالیا، کانادا، رژیم اشغالگر قدس، سوئیس، تایوان و ایالات متحده همچنان کم‌تر از ۱۵ درصد بود. میزان مزایای اجتماعی در تمامی کشورها، به استثنای هلند، در طول زمان افزایش یافت.

جدول ۵. اندازه بودجه‌ای و کارایی هدف‌گذاری در میان ۱۵ کشور LIS، ۲۰۱۳-۱۹۸۵

هدف‌گذاری		اندازه بودجه (%)				
تغییر ۱۳-۸۵	حدود ۲۰۱۳	حدود ۱۹۸۵	تغییر ۱۳-۸۵	حدود ۲۰۱۳	حدود ۱۹۸۵	
۰.۰۲۲	-۰.۳۱۸	-۰.۳۴۰	۲.۲	۱۲.۹	۱۰.۷	استرالیا (۲۰۱۰-۱۹۸۵)
۰.۱۱۹	-۰.۰۶۶	-۰.۱۸۴	۵.۴	۱۸.۲	۱۲.۸	کانادا (۲۰۱۰-۱۹۸۷)
-۰.۰۷۷	-۰.۱۹۹	-۰.۱۲۲	۳.۰	۲۳.۶	۲۰.۵	دانمارک (۲۰۱۳-۱۹۸۷)
۰.۱۱۷	-۰.۰۳۳	-۰.۱۵۰	۶.۴	۲۵.۵	۱۹.۱	فنلاند (۲۰۱۳-۱۹۸۷)
۰.۰۵۶	۰.۰۸۲	۰.۰۲۶	۶.۱	۳۹.۱	۲۳.۰	فرانسه (۲۰۱۰-۱۹۸۴)
۰.۱۳۲	-۰.۱۱۸	-۰.۲۵۰	۵.۵	۲۲.۴	۱۶.۹	آلمان (۲۰۱۳-۱۹۸۴)
۰.۰۶۲	-۰.۰۸۷	-۰.۱۴۹	۷.۹	۲۶.۸	۱۸.۹	ایرلند (۲۰۱۰-۱۹۸۴)
۰.۱۱۹	۰.۰۱۰	-۰.۱۰۹	۰.۲	۱۴.۸	۱۴.۶	رژیم اشغالگر قدس (۲۰۱۲-۱۹۸۶)
-۰.۱۱۴	-۰.۱۱۷	-۰.۰۰۳	-۶.۸	۲۲.۲	۲۹.۰	هلند (۲۰۱۳-۱۹۸۳)
۰.۱۸۰	-۰.۰۶۴	-۰.۲۴۴	۹.۲	۲۳.۲	۱۴.۰	نروژ (۲۰۱۳-۱۹۸۶)
-۰.۰۴۴	-۰.۰۷۴	-۰.۰۳۰	۰.۴	۲۸.۱	۲۷.۶	سوئد (۲۰۰۵-۱۹۸۶)
-۰.۲۳۲	-۰.۱۴۴	۰.۰۸۹	۹.۱	۱۷.۲	۸.۱	سوئیس (۲۰۱۳-۱۹۸۲)
۰.۰۲۹	۰.۰۷۷	۰.۰۴۸	۹.۴	۹.۹	۰.۵	تایوان (۲۰۱۳-۱۹۸۶)
۰.۰۱۶	-۰.۱۲۳	-۰.۱۳۸	-۰.۱	۲۱.۷	۲۱.۹	انگلستان (۲۰۱۳-۱۹۸۶)
۰.۱۱۶	-۰.۰۹۱	-۰.۲۰۷	۲.۹	۱۳.۸	۱۰.۹	ایالات متحده (۲۰۱۳-۱۹۸۶)
۰.۰۳۳	-۰.۰۸۴	-۰.۱۱۸	۴.۱	۲۰.۶	۱۶.۶	میانگین ۱۵ کشور

منبع: پایگاه داده وانگ و کامینادا (۲۰۱۷) بر اساس LIS و محاسبات نویسندگان.

کارایی هدف‌گذاری، میان کشورهای مختلف تفاوت‌های بیشتری را نشان می‌دهد. در میانه دهه ۱۹۸۰، فقرا اصلی‌ترین گروه هدف پرداخت مزایا نقدی در استرالیا و آلمان به‌شمار می‌آمدند، درحالی‌که این مزایا در سوئد، هلند و

فرانسه از توزیعی همگانی‌تر برخوردار است. در سال ۲۰۱۳، استرالیا بیش از سایر کشورها هدف‌گذاری خود را بر فقرا متمرکز کرد؛ اما در ۱۱ کشور از ۱۵ کشور پرداخت‌ها به شکلی همگانی‌تر توزیع می‌شدند. به طور کلی می‌توان گفت که در حول و حوش سال ۲۰۱۳، نسبت به دوره‌های قبل، پرداخت‌ها کمتر معطوف به فقرا بود و بیشتر به شکلی همگانی‌تر توزیع می‌شد. باین وجود، ملاحظه می‌شود که پرداخت مزایای اجتماعی در سوئیس، هلند، دانمارک و سوئد در طول زمان بیشتر معطوف به سمت فقرا بوده است.

تجزیه اثرات بازتوزیعی پرداخت‌های اجتماعی و مالیات بر درآمد در طول زمان

آثار بازتوزیعی بخش‌های مختلف دولت‌های رفاه در طول زمان و در بین کشورها چه تغییراتی کرده است؟ این بخش روندهایی از جزئیات آثار بازتوزیعی منتخبی از کشورهای LIS، که اطلاعات کاملی در زمینه مزایا و مالیات‌های آنها وجود دارد، ارائه می‌شود. برای این کار هشت کشور بر اساس دو معیار انتخاب شده‌اند: (۱) اطلاعات کاملی در مورد اطلاعات مزایا/مالیات آن کشور در حداقل سه نقطه داده‌ای (حدود ۱۹۸۵، حدود ۱۹۹۷ و ۲۰۱۰ یا پس از آن) وجود داشته باشد؛ (۲) میزان مندرج در دسته «سایر پرداخت‌ها» کم‌تر از ۲۰ درصد کل بازتوزیع مالی باشد.

براین اساس، ما اثرات بازتوزیعی (جزئی)، شامل پرداخت‌های سالمندی/ازکارافتادگی/بازمانده، پرداخت‌های مربوط به بیماری، پرداخت‌های خانواده/کودک، پرداخت‌های مربوط به آموزش، پرداخت‌های مربوط به بیکاری، پرداخت‌های مربوط به مسکن، پرداخت‌های مساعدت پزشکی/غذایی/عمومی، سایر پرداخت‌های تأمین اجتماعی و مالیات‌های بر درآمد و حق بیمه‌های تأمین اجتماعی، را در طول زمان و مبتنی بر لیست اجزای درآمد خانوار LIS محاسبه می‌کنیم. همان‌طور که پیش از این توضیح داده شد، مزایای مستمری سالمندی دولتی را نیز بخشی از تحلیل خود در نظر می‌گیریم، چراکه این پرداخت‌ها هم بخشی از شبکه

حمایتی هستند و کاهش چشمگیر در فقر و نابرابری درآمدی به‌وجود می‌آورند. مستمری‌های خصوصی و شغلی نیز در محاسبات در نظر گرفته می‌شوند. ایده تجزیه از نابرابری در درآمد اولیه تا نابرابری در درآمد قابل تصرف، در جدول (۶) از طریق متوسط روندهای اثرات بازتوزیعی بخش‌های مختلف نظام‌های مالیات-مزایای هشت کشور LIS از میانه دهه ۱۹۸۰ تا حدود سال ۲۰۱۳ ارائه شده است.

جدول ۶. تجزیه نابرابری در درآمد قابل تصرف برای هشت کشور ۲۰۱۳-۱۹۸۵: میانگین دوره‌ها

تغییر	جینی حدود	جینی حدود	جینی حدود	
۲۰۱۳-۱۹۸۵	۲۰۱۳	۱۹۹۵	۱۹۸۵	
۰.۰۳۹	۰.۴۸۵	۰.۴۶۰	۰.۴۴۷	(الف) جینی درآمد اولیه
۰.۰۲۱	۰.۳۱۰	۰.۲۸۶	۰.۲۸۹	(ب) جینی درآمد قابل تصرف
۰.۰۱۸	۰.۱۷۶	۰.۱۷۴	۰.۱۵۸	باز توزیع کلی (الف-ب)
۳٪	۷۸٪	۷۸٪	۷۵٪	پرداخت‌ها
۹٪	۵۶٪	۵۲٪	۴۷٪	پرداخت‌های سالمندی/از کارافتادگی/بازماندگان
-۱٪	۰٪	۱٪	۱٪	پرداخت‌های بیماری
۰٪	۷٪	۸٪	۷٪	پرداخت‌های خانواده/کودکان
-۵٪	۱٪	۲٪	۶٪	پرداخت‌های آموزشی
۱٪	۶٪	۷٪	۵٪	پرداخت‌های بیکاری
۲٪	۲٪	۳٪	۱٪	پرداخت‌های مسکن
۰٪	۳٪	۳٪	۲٪	پرداخت‌های مساعدت پزشکی/عمومی/غذایی
-۵٪	۲٪	۳٪	۷٪	سایر پرداخت‌ها
-۱٪	۲۴٪	۲۲٪	۲۵٪	مالیات‌های بر درآمد و حق بیمه‌های تامین اجتماعی
-۲٪	-۲٪	۰٪	۰٪	باقی مانده
	۱۰۰٪	۱۰۰٪	۱۰۰٪	باز توزیع کل

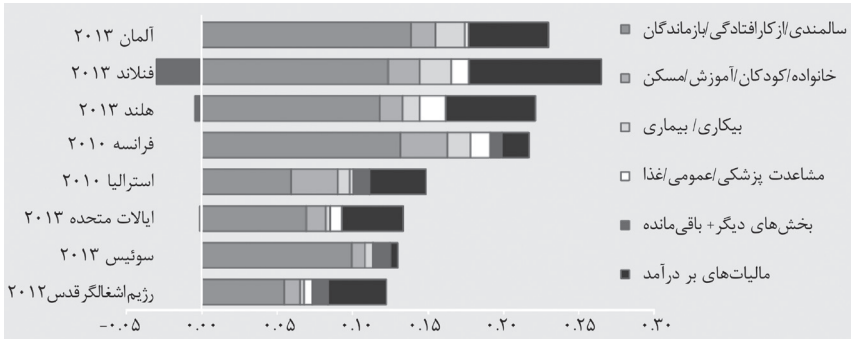
توضیح: کشورهای منتخب: استرالیا، فنلاند، فرانسه، آلمان، رژیم اشغالگر قدس، هلند، سوئیس و بریتانیا

منبع: پایگاه داده وانگ و کامینادا (۲۰۱۷) بر اساس LIS و محاسبات نویسندگان

در این بین، یکی از روش‌های بازتوزیع مالی افزایشی الگوی غالب را تشکیل می‌داد. بازتوزیع مالی افزایشی از مزایای سالمندی/ازکارافتادگی/بازماندگان، و تا حدود کمی از مزایای بیکاری و مزایای مربوط به مسکن، نشأت می‌گرفت. مزایای سالمندی/ازکارافتادگی/بازماندگان ۴۷ درصد از کل بازتوزیع در اواسط دهه ۱۹۸۰ و ۵۸ درصد از آن را در سال ۲۰۱۳ تشکیل می‌داد. مزایای مربوط به بیماری و مالیات بر درآمد، بازتوزیع به نسبت کم‌تری ایجاد می‌کردند. طی این دوره زمانی، سهم مزایای آموزشی از کل بازتوزیع به میزان بسیار قابل توجهی کاهش یافت (از ۶ درصد در سال ۱۹۸۵ به تنها یک درصد در سال ۲۰۱۳). بازتوزیع از طریق سایر پرداخت‌های اجتماعی نیز به همین ترتیب افت کرده‌اند.

بررسی روندهای اثرات بازتوزیعی برنامه‌های اجتماعی متعدد بین کشورها، نتایج متفاوتی به دست می‌دهد. شکل (۲) نشان می‌دهد که بازتوزیع مالی هر برنامه اجتماعی در طی زمان بین هشت کشور LIS چگونه تغییر کرده است. در این نمودارها، کشورها برحسب بازتوزیع مالی از بالاترین تا پایین‌ترین رده رتبه‌بندی شده‌اند.

قاب (ج) حول حوش سال ۲۰۱۳



منبع: پایگاه داده وانگ و کامینادا (۲۰۱۷) بر اساس LIS و محاسبات نویسندگان.

در طی زمان، جایگاه کشور هلند در رتبه‌بندی کشورها از اول به سوم تنزل پیدا کرد و رتبه آلمان از سوم به اول تغییر یافت. فنلاند با سطح نسبتاً بالایی از بازتوزیع مالی در رتبه دوم قرار دارد. ایالات متحده، سوئیس و رژیم اشغالگر قدس با پایین‌ترین سطوح بازتوزیع از طریق مالیات بر درآمد و پرداخت‌های اجتماعی در انتهای این رتبه‌بندی قرار دارند.

مزایای سالمندی/ازکارافتادگی/بازماندگان بخش اعظمی از بازتوزیع را در تمامی کشورها در حدود سال ۲۰۱۳ (۳۵ درصد یا بیشتر) به خود اختصاص می‌داد. سهم فزاینده این برنامه‌ها در بازتوزیع، الگوی غالب (به استثنای استرالیا و آلمان) از اواسط دهه ۱۹۸۰ تا حدود سال ۲۰۱۳ بود. به‌طور کلی، مزایای سالمندی و بازماندگان ۴۷ درصد کل بازتوزیع مالی میانگین هشت کشور در حدود سال ۱۹۸۵ و ۵۶ درصد در حدود سال ۲۰۱۳ را تشکیل داده است.

اثر بازتوزیعی مزایای مربوط به خانواده/کودک، آموزش و مسکن در کشورهای مختلف متفاوت است؛ اما در مجموع، این مزایا ۱۱ درصد کل بازتوزیع مالی میانگین هشت کشور را در سال ۲۰۱۳ تشکیل داده، که از سال ۱۹۸۵ به میزان ۳ درصد کاهش نشان می‌دهد و عمدتاً ریشه در مزایای آموزشی دارد.

اثر بازتوزیعی جبران بیکاری و مزایای بیماری در نیمی از این هشت کشور یعنی استرالیا، فرانسه، هلند و ایالات متحده کاهش یافته است. میانگین سهم مجموع مزایای بیکاری و بیماری از کل بازتوزیع مالی در هشت کشور طی سال‌های ۱۹۸۵ و ۲۰۱۳ به میزان ۶ درصد بوده است.

مالیات بر درآمد، طی دوره ۲۰۱۳-۱۹۸۵، به‌طور متوسط نقش کم‌تری در بازتوزیع مالی داشته است (۲۵ درصد در برابر ۲۴ درصد در میانگین هشت کشور). با این وجود، اختلاف بین کشورها در این شاخص بسیار زیاد است. مالیات بر درآمد در کشورهای فنلاند، فرانسه و هلند، تصاعدی‌تر شدند - سازگار با گرایش‌های معطوف به نابرابری‌های بیشتر در درآمد اولیه، که به نوبه خود باعث افزایش مالیات‌ستانی از سطوح درآمدی بالای جامعه می‌شود. اما تصاعد مالیاتی در استرالیا، آلمان، رژیم اشغالگر قدس، سوئیس و ایالات متحده افت کرده است.

نتیجه‌گیری

ما تغییرات توزیع درآمدی در طول زمان و نیز اینکه آیا و تا چه اندازه پرداخت‌های اجتماعی و مالیات‌ها در این روند مشارکت داشته‌اند را با استفاده از جدیدترین داده‌های خرد مربوط به درآمد خانوار از مرکز داده‌های فراملی مطالعات درآمدی لوکزامبورگ مورد بررسی قرار داده‌ایم. برای این منظور، روندهای مربوط به نابرابری درآمد اولیه و درآمد قابل تصرف و نیز بازتوزیع کلی و جزئی ناشی از اجرای برنامه‌های اجتماعی به شیوه‌ای تطبیقی جمع‌آوری شد؛ که تصویری دقیق و همراه با جزئیات از بازتوزیع درآمدی از طریق مالیات‌ها و پرداخت‌ها در دولت‌های رفاه اجتماعی ارائه می‌کند.

با استفاده از روش تحلیل اثر بودجه‌ای متوالی (مرحله‌ای) برای ۱۵ کشور منتخب (برخوردار از اطلاعات کامل در مورد مالیات و مزایا)، به این نتیجه رسیدیم که متوسط نابرابری درآمد اولیه در این کشورها طی یک دوره ۲۵ ساله ۱۱ درصد افزایش یافته که افزایشی چشمگیر در طول دوره‌ای نسبتاً کوتاه است. از طرفی، نابرابری درآمد اولیه محرک اصلی روندهای نابرابری در درآمد قابل تصرف بوده است. با این حال، بازتوزیع مالی ۶۳ درصد از این افزایش در نابرابری درآمد اولیه را جبران کرده است. برخلاف نتایج سایر مطالعات (به‌ویژه مطالعات OECD)، نتایج مطالعه ما کاهش بازتوزیع مالی را تایید نمی‌کنند. نظام‌های مالیات-مزایا، در حول و حوش سال ۲۰۱۳ در مقایسه با اواسط دهه ۱۹۸۰ و اواسط دهه ۱۹۹۰، به‌ویژه بادر نظر گرفتن کل جمعیت، در کاهش نابرابری درآمدی کارآمدتر بوده‌اند. بدین ترتیب، به نظر می‌رسد این ادعا که بازتوزیع تقلیل‌یافته محرک اصلی تعمیق شکاف‌های درآمدی است، حداقل در مورد کشورهای این مطالعه اغراق‌آمیز باشد. از زمان رکود بزرگ [سال ۲۰۰۸]، بازتوزیع مالی افزایش یافته است.

تغییرات در بازتوزیع می‌تواند به تغییرات در مقیاس برنامه یا هدف‌گذاری مزایا به سمت گروه‌های کم‌درآمد مربوط باشد. نتایج کار ما گویای آن است که مقیاس برنامه در اغلب کشورها افزایش یافته و خود آثار آنرا در بازتوزیع مالی می‌توان دید. علاوه بر این، پرداخت‌های اجتماعی در بیشتر کشورها در حدود سال ۲۰۱۳ افراد فقیر را کمتر از دوره‌های قبل هدف قرار داده‌اند، اگرچه استثناهایی وجود دارند.

در اکثر کشورها، بازتوزیع مالی بیش از همه ناشی از پرداخت مزایای دولتی مربوط به سالمندان و بازماندگان (شامل طرح‌های مربوط به ازکارافتادگی) است؛ الگوی غالب نیز افزایش سهم این برنامه‌ها در بازتوزیع، طی دوره ۲۰۱۳-۱۹۸۵ (به استثنای آلمان و فنلاند) بوده است. در مجموع، میانگین مزایای سالمندان و بازماندگان هشت کشور در حول و حوش ۱۹۸۵ معادل ۴۷ درصد و در حول و حوش سال ۲۰۱۳ معادل ۵۶ درصد کل بازتوزیع مالی را تشکیل داده است. مالیات بر درآمد نیز سهمی مهم در توزیع مالی هشت کشور مورد بررسی طی دوره ۱۹۸۵-۲۰۱۳ داشته است؛ متوسط هشت کشور، ۲۵ درصد (حول و حوش سال ۱۹۸۵) در برابر ۲۴ درصد (حول و حوش سال ۲۰۱۳). اما در این زمینه نیز تفاوت قابل توجهی بین کشورها دیده می‌شود. مالیات بر درآمد در هلند و فنلاند تصاعدی‌تر شدند، اما بازتوزیع مالی کمتری را در ایالات متحده، استرالیا، رژیم اشغالگر قدس، موجب شدند. آثار بازتوزیعی مزایای مربوط به فرزندان، خانواده، آموزش و مسکن در برخی کشورها نسبتاً زیاد است؛ به طوری که در کشورهایی همچون استرالیا و فرانسه سهمی به میزان ۱۵ درصد یا بیشتر از کل بازتوزیع مالی را به خود اختصاص می‌دهند. در مجموع، میانگین این مزایا در بین کشورهای مورد بررسی این مطالعه، ۱۱ درصد از کل بازتوزیع مالی در سال ۲۰۱۳ را تشکیل می‌دهند؛ در حالی که این رقم در سال ۱۹۸۵ معادل ۱۴ درصد بود.

با این حال، تحلیل تجربی حاضر چرایی کم یا زیاد بودن آثار بازتوزیعی مزایا و مالیات‌های بر درآمد را نشان نمی‌دهد. مادام که نابرابری درآمد اولیه افزایش می‌یابد، می‌توان انتظار داشت که تصاعدی بودن نظام‌های مالیات-مزایا بتواند به‌طور خودکار اثرات بازتوزیعی بیشتری داشته باشد. در عین حال، تغییرات سیاستی نیز قطعاً توضیح‌دهنده بخشی از تغییرات بازتوزیع خواهند بود. تحقیقات بعدی باید تأثیر بازننگری‌های سیاستی مشخص را بر تغییر اثر بازتوزیعی دولت‌های رفاه اندکی روشن سازند. به این منظور، ما یک پایگاه داده با دسترسی باز^۱ را پیشنهاد می‌کنیم که به کاربران اجازه می‌دهد متغیرهای مربوط به نابرابری درآمدی و بازتوزیع مالی (گروهی از) کشورها و یا داده‌های مربوط به سال‌هایی خاص برای ۴۷ کشور طی دوره ۱۹۶۷-۲۰۱۴ به سهولت انتخاب کنند (وانگ و کامینادا، ۲۰۱۷).

Bibliography

- Atkinson, A. B. 2000. "The changing distribution of income: Evidence and explanation", in *German Economic Review*, Vol. 1, No. 1.
- Atkinson, A. B. 2003. "Income inequality in OECD countries: Data and explanations", in *CESifo Economic Studies*, Vol. 49, No. 4.
- Atkinson, A. B. 2015. *Inequality: What can be done*. Cambridge, MA, Harvard University Press.
- Atkinson, A. B.; Brandolini, A. 2001. "Promise and pitfalls in the use of 'secondary' data-sets: Income inequality in OECD countries as a case study", in *Journal of Economic Literature*, Vol. 39, No. 3.
- Atkinson, A. B.; Rainwater, L.; Smeeding, T. M. 1995. *Income distribution in OECD countries: Evidence from the Luxembourg Income Study (OECD Social policy studies, No. 18)*. Paris, Organisation for Economic Co-operation and Development.
- Avram, S.; Levy, H.; Sutherland, H. 2014. "Income redistribution in the European Union", in *IZA Journal of European Labor Studies*, Vol. 3, No. 22.
- Bargain, O. et al. 2017. "Changes in income distributions and the role of tax-benefit policy during the Great Recession: An international perspective", in *Fiscal Studies*, Vol. 38, No. 4.
- Been, J. et al. 2017. "Public/private pension mix, income inequality, and poverty among the elderly in Europe: An empirical analysis using new and revised OECD data", in *Social Policy & Administration*, Vol. 51, No. 7.
- Brandolini, A.; Smeeding, T. M. 2007. "Inequality: International evidence", in S.N. Durlauf and L. E. Blume (eds), *The New Palgrave Dictionary of Economics*. Basingstoke, Palgrave Macmillan.
- Breen, R.; García-Peñalosa, C.; Orgiazzi, E. 2008. *Factor components of inequality: Crosscountry differences and time changes (LIS Working paper series, No. 503)*. Luxembourg, Luxembourg Income Study.
- Caminada, K.; Goudswaard, K. P. 2001. "International trends in income inequality and social policy", in *International Tax and Public Finance*, Vol. 8, No. 4.
- Caminada, K.; Goudswaard, K.; Wang, C. 2012. *Disentangling income inequality and the redistributive effect of taxes and transfers in 20 LIS countries over time (LIS Working paper series, No. 581)*. Luxembourg, Luxembourg Income Study.
- Caminada, K. et al. 2017. *Income inequality and fiscal redistribution in 47 LIS-countries, 1967-2014 (LIS Working paper series, No. 724)*. Luxembourg, Luxembourg Income Study.
- Causa, O.; Hermansen, M. 2017. *Income redistribution through taxes and transfers across OECD countries (OECD Economics Department working paper,*

- No. 1453). Paris, Organisation for Economic Co-operation and Development.
- Creedy, J.; Ven, J. van de. 2001. "Decomposing redistributive effects of taxes and transfers in Australia: Annual and lifetime measures", in *Australian Economic Papers*, Vol. 40, No. 2.
- De Agostini, P. et al. 2014. The effect of tax-benefit changes on the income distribution in EU countries since the beginning of the economic crisis (EUROMOD Working paper, No. EM9/14). Colchester, EUROMOD.
- Ferrarini, T.; Nelson, K. 2003. "Taxation of social insurance and redistribution: A comparative analysis of ten welfare states", in *Journal of European Social Policy*, Vol. 13, No. 1.
- Figari, F.; Paulus, A. 2015. "The distributional effects of taxes and transfers under alternative income concepts: The importance of three 'I's", in *Public Finance Review*, Vol. 43, No. 3.
- Figini, P. 1998. Inequality measures, equivalence scales and adjustment for household size and composition (LIS Working paper series, No. 185). Luxembourg, Luxembourg Income Study.
- Fuest, C.; Niehues, J.; Peichl, A. 2010. "The redistributive effects of tax benefit systems in the enlarged EU", in *Public Finance Review*, Vol. 38, No. 4.
- Gottschalk, P.; Smeeding, T. M. 2000. "Empirical evidence on income inequality in industrialized countries", in A. B. Atkinson and F. Bourguignon (eds), *Handbook of income distribution*. Amsterdam, North-Holland.
- Hills, J. et al. 2014. A lost decade? Decomposing the effect of 2001-11 tax-benefit policy changes on the income distribution in EU countries (ImPRovE Working paper, No. 14/03). Antwerp, ImPRovE.
- Immervoll, H. et al. 2005. Household incomes and redistribution in the European Union: Quantifying the equalising properties of taxes and benefits (EUROMOD Working paper, No. EM9/05). Colchester, EUROMOD.
- Immervoll, H.; Richardson, L. 2011. Redistribution policy and inequality reduction in OECD countries: What has changed in two decades? (OECD Social, Employment and Migration working paper, No. 122). Paris, Organisation for Economic Co-operation and Development.
- Jenkins, S. P. 1995. "Accounting for inequality trends: Decomposition analyses for the UK, 1971-86", in *Economica*, Vol. 62, No. 245.
- Jesuit, D. K.; Mahler, V. A. 2010. Comparing government redistribution across countries: The problem of second-order effects (LIS Working paper series, No. 546). Luxembourg, Luxembourg Income Study.
- Jesuit, D.; Mahler, V. A. 2017. "Fiscal redistribution in comparative perspective: Recent evidence from the Luxembourg Income Study (LIS) Data Centre", in M. Buggeln, M. Daunton and A. Nützenadel (eds), *The political economy of public finance: Taxation, state spending and debt since the 1970s*. Cambridge,

Cambridge University Press.

Kakwani, N. C. 1986. *Analyzing redistribution policies: A study using Australian data*. Cambridge, Cambridge University Press.

Kammer, A.; Niehues, J.; Peichl, A. 2012. "Welfare regimes and welfare state outcomes in Europe", in *Journal of European Social Policy*, Vol. 22, No. 5.

Kenworthy, L.; Pontusson, J. 2005. "Rising inequality and the politics of redistribution in affluent countries", in *Perspectives on Politics*, Vol. 3, No. 3.

Kim, H. 2000. "Anti-poverty effectiveness of taxes and income transfers in welfare states", in *International Social Security Review*, Vol. 53, No. 4.

Korpi, W.; Palme, J. 1998. "The paradox of redistribution and strategies of equality: Welfare state institutions, inequality, and poverty in the western countries", in *American Sociological Review*, Vol. 63, No. 5.

Kristjánsson, A. S. 2011. "Income redistribution in Iceland: Development and European comparisons", in *European Journal of Social Security*, Vol. 13, No. 4.

Lambert, P. J.; Nesbakken, R.; Thoresen, T. O. 2010. *On the meaning and measurement of redistribution in cross-country comparisons (LIS Working paper series, No. 532)*. Luxembourg, Luxembourg Income Study.

Lerman, R. I.; Yitzhaki, S. 1985. "Income inequality effects by income source: A new approach and applications to the United States", in *The Review of Economics and Statistics*, Vol. 67, No. 1.

Mahler, V.A.; Jesuit, D. K. 2006. "Fiscal redistribution in the developed countries: New insights from the Luxembourg Income Study", in *Socio-Economic Review* Vol. 4, No. 3.

Musgrave, R. A.; Case, K. E.; Leonard, H. 1974. "The distribution of fiscal burdens and benefits", in *Public Finance Quarterly*, Vol. 2, No. 3.

Nieuwenhuis, R.; Munzi, T.; Gornick, J. C. 2016. "Comparative research with net and gross income data: An evaluation of two netting down procedures for the LIS Database", in *Review of Income and Wealth*, Vol. 63, No. 3.

Nolan, B.; Marx, I. 2009. "Economic inequality, poverty, and social exclusion", in W. Salverda, B. Nolan and T. M. Smeeding (eds), *The Oxford handbook of economic inequality*. Oxford, Oxford University Press.

OECD. 2008. *Growing unequal? Income distribution and poverty in OECD countries*. Paris, Organisation for Economic Co-operation and Development.

OECD. 2011. *Divided we stand: Why inequality keeps rising*. Paris, Organisation for Economic Co-operation and Development.

OECD. 2015. *In it together: Why less inequality benefits all*. Paris, Organisation for Economic Co-operation and Development.

Paul, S. 2004. "Income sources effects on inequality", in *Journal of Development Economics*, Vol. 73, No. 1

Piketty, T. 2014. *Capital in the twenty-first century*. Cambridge, MA, Harvard University Press.

Plotnick, R. 1984. "The redistributive impact of cash transfers", in *Public*

.Finance Quarterly, Vol. 12, No. 1

Ravallion, M. 2015. "The Luxembourg Income Study", in Journal of Economic Inequality, Vol. 13, No. 4.

Shorrocks, A. F. 1983. "Ranking income distributions", in Economica, Vol. 50, No. 197.

Smeeding, T. M. 2004. "Twenty years of research in income inequality, poverty and redistribution in the developed world: Introduction and overview", in Socio-Economic Review, Vol. 2, No. 2.

Smeeding, T.; Latner, J. P. 2015. "PovcalNet, WDI and 'All the Ginis': A critical review", in The Journal of Economic Inequality, Vol. 13, No. 4. Smolensky, E.;

Hoyt, W.; Danziger, S. 1987. "A critical survey of efforts to measure budget incidence", in H. M. van de Kar and B. L. Wolfe (eds), The relevance of public finance for policy-making (Proceedings of the 41st International Institute of Public Finance

Congress, Madrid, 1985). Detroit, MI, Wayne State University Press.

Stark, O.; Taylor, J. E.; Yitzhaki, S. 1986. "Remittances and inequality", in The Economic Journal, Vol. 96, No. 383.

Wang, C.; Caminada, K. 2011. Disentangling income inequality and the redistributive effect of social transfers and taxes in 36 LIS countries (LIS Working paper series, No. 567). Luxembourg, Luxembourg Income Study.

Wang, J.; Caminada, K. 2017. Leiden LIS budget incidence fiscal redistribution dataset on income inequality (Version 1, November 2017). Leiden, Leiden University – Department of Economics.

Wang, C.; Caminada, K.; Goudswaard K. 2012. "The redistributive effect of social transfer programmes and taxes: A decomposition across countries", in International Social Security Review, Vol. 65, No. 3. Wang, C.; Caminada,

K.; Goudswaard, K. 2014. "Income distribution in 20 countries over time", in International Journal of Social Welfare, Vol. 23, No. 3.

Whiteford, P. 2010. "The Australian tax-transfer system: Architecture and outcomes", in The Economic Record, Vol. 86, No. 275.



میهن‌رزمی‌های
پژوهش‌های سنا

تهران، خیابان شریعتی، نرسیده به میدان قدس، کوچه محوی،

پلاک ۴، واحد ۱۰۱

دورنگار: ۰۲۱-۲۲۷۰۲۹۰۳

تلفن: ۰۲۱-۲۲۷۰۳۴۶۵

www.saba-psi.ir

info@saba-psi.ir